

عبدالله شهبازی

مطالعات سیاسی، کتاب اول، پائیز ۱۳۷۰، صص ۴۱-۹۲.

فراماسونری در ایران (۱)

ابهام در تاریخنگاری فراماسونری ایران

فراماسونری دارای یکی از پیچیده‌ترین و ناشناخته‌ترین ساخت‌های تشکیلاتی در جهان است و با شعار «نظم به جای بی‌نظمی»^۱ سازمانگری و پنهانکاری را در بنیاد «طریقت» خود قرار داده است.

طبق آئین کهن اسکاتلندی (اسکاتنی)، که مرسوم‌ترین طریقت ماسونی در جهان است، سیر ماسون دارای سی و سه پایه است که از پایه نخست (کارآموزی)^۲ آغاز می‌شود. ماسون سپس به درجه دوم (کاریاری)^۳ «سر» داده می‌شود و پس از آن به درجه سوم (استادی)^۴ می‌رسد. ماسون‌هایی که به این سه پایه تعلق دارند، خیل عظیم ماسونها را تشکیل می‌دهند و در واحدهای پایه به نام «لژ» سازمان داده می‌شوند. لژها بر اساس ضوابطی توسط «گران‌دلژ»ها (لژهای بزرگ) هدایت می‌گردند. ولی سیر ماسونی در پایه «استادی» متوقف نیست و این تنها مدخلی است برای ارتقاء در هر می که به اوج، یعنی به پایه سی و سوم و مقام «بزرگ بازرس کل»، منتهی می‌شود. این بخش از تشکیلات ماسونی، که متکفل سیر ماسون از درجه چهارم به درجه سی و سوم است، ناشناخته‌ترین

1. ORDO AB CHAO

2. Entred Appretice

3. Fellowcraft

4. Master Mason

آن است و هدایت آن دیگر با گراندها نیست، بلکه با «شورای طریقت» ماسونی است، که از فراز قله‌ای که «بارگاه» خوانده می‌شود بر مجموعه سازمان ماسونی - اعم از گراندها و تشکیلات درجات عالی - نظارت می‌کند.

لژی بیداری ایران

درباره تشکیلات ماسونی درجات عالی در ایران تا کنون سندی منتشر نشده و اصولاً بسیاری از پژوهشگران تصویری نیز از آن ندارند. لژهایی که تا کنون در ایران معرفی شده‌اند، لژهای پایه بوده‌اند که طبق قوانین اساسی ماسونی به سه درجه نخستین (کارآموزی، کاریاری، استادی) اختصاص داشته‌اند. این ناشناختگی به معنای عدم وجود تشکیلات درجات عالی ماسونی در ایران نیست، بلکه شواهدی در دست است که احتمال فعالیت آن را از گذشته دور مطرح می‌سازد.

قانون اساسی گراندها و ریان فرانسه، که در سال ۱۳۲۴ ق. ۱۹۰۸ م. - یعنی در اوان فعالیت لژی بیداری ایران - در اختیار گردانندگان آن قرار گرفت و به سال ۱۳۳۰ ق. ۱۹۱۲ م. توسط سه استاد این لژ (میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک فروغی، حاج سید نصرالله تقوی، میرزا حسین خان دبیرالملک) به فارسی برگردانده شد، حاوی شرح مبسوطی از ساختار تشکیلاتی و درجات عالی ماسونی است، و به تعبیر لژی بیداری ایران «مفتاح تعلیمات و اسرار ماسونی و اساس حقیقت جوئی» می‌باشد.^۵ روشن است که صرف دستیابی گردانندگان لژی بیداری ایران و مترجمین به این سند، دال بر تعلق آنان به درجات عالی ماسونی است. مترجمین قانون اساسی گراندها و ریان - که قانون اساسی لژی بیداری ایران نیز محسوب می‌شد - واحد پایه تشکیلات ماسونی را همان «لژ» خوانده‌اند، واحد عالی (شاپیتر)^۶ را «خانقاه»، واحد برتر را «کنگاشستان»^۷ و واحد برین را «بارگاه»^۸:

هیچ خانقاهی نمی‌تواند موجود باشد مگر به رضای لژی که بنیان اوست،

۵. اسماعیل راثین. فراموشخانه و فراماسونری در ایران [زمستان ۱۳۴۷]. ج ۲، ص ۱۲۲.

6. Chapitre

7. Conseil

۸. همان مأخذ، ص ۵۱۶، ۵۴۴.

همچنین هیچ کنگاشستانی موجود نمی‌شود مگر اینکه متکی بر خانقاهی باشد.^۹

«شاگرد» (کارآموز) پس از ۹ ماه می‌تواند به «پایه یاری» (درجه کاریاری) برسد، و کاریار پس از ۸ ماه می‌تواند «استاد» شود.^{۱۰} این سه درجه‌ای است که در لژ «سر» داده می‌شود. ارتقاء، ماسون به درجه چهارم در لژ میسر نیست و مستلزم عضویت او در یک «خانقاه» (شاپتر است).^{۱۱} در «خانقاه»، ماسون از درجه چهارم تا درجه هیجدهم «سر» داده می‌شود و به پایه هیجدهم می‌رسد. ارتقاء بیشتر در هرم ماسونی مستلزم عضویت در واحد برتر - کنگاشستان - است. ماسون در «کنگاشستان» تا پایه سی‌ام ارتقاء می‌یابد و صعود او به آخرین پایه‌های هرم ماسونی (پایه‌های سی و یکم، سی و دوم و سی و سوم) مستلزم عضویت او در یک لژ، یک «خانقاه» و یک «کنگاشستان» است. پس از این مرحله، ماسون برای طی آخرین مدارج «طریقت» وارد عالی‌ترین واحد ماسونی یعنی «بارگاه» (کارگاه برین) می‌شود.^{۱۲}

قانون اساسی گرانداوریان فرانسه - که بر پایه آئین اسکاتی کهن بنا شده - درباره «شورای طریقت» و «بارگاه بزرگ آئین‌ها» نیز سخن گفته است. «بارگاه بزرگ آئین‌ها» نهادی است مرکب از ماسونهای دارای پایه سی و سوم، که «عده ایشان کمتر از ۸ و بیشتر از ۳۳ نفر نمی‌تواند باشد» و «هر یک از ایشان باید عضو رسمی یک لژ و یک خانقاه و یک کنگاشستان باشند»^{۱۳} این نهاد «نگهبان آداب و رسوم محفوظه و ناظم ترتیبات ماسونی» است.^{۱۴}

با توجه به سند فوق، این پرسش مطرح است که آیا ماسونهای دارای درجات عالی، که لژ بیداری ایران را هدایت می‌کردند، در جوار این تشکیلات دارای لژهای عالی ماسونی و «شورای طریقت» نبوده‌اند؟

این ناشناختگی فعالیت مجامع عالی ماسونی در ایران در بررسی تاریخ سالهای پسین نیز صادق است. گفته می‌شود که پس از استقرار سلطنت پهلوی، به دستور رضا شاه

۹. همان مأخذ، ص ۵۱۶.

۱۰. همان مأخذ، ص ۵۴۱.

۱۱. همان مأخذ، ص ۵۴۲ - ۵۴۳.

۱۲. همان مأخذ، ص ۵۴۴.

۱۳. همان مأخذ، ص ۵۹۰.

۱۴. همان مأخذ، ص ۵۹۲.

فعالیت لژهای ماسونی متوقف شد. ولی با توجه به اینکه بسیاری از کارگردانان صعود رضاخان به سلطنت از ماسونهایی بودند که سالها پیشینه فعالیت ماسونی را در پشت داشتند، آیا این ممنوعیت فقط شامل تشکیلات پایه، یعنی لژها، بود و یا واحدهای عالی ماسونی - اگر وجود داشت که قاعدتاً باید چنین می بود - را نیز در بر می گرفت؟ در سال ۱۳۱۷ ش. / ۱۹۳۸ م. محمد خلیل جواهری - ماسون دارای درجه سی و سوم - به ایران آمد و با ماسونهای قدیمی ایران، چون محمد علی فروغی و ابراهیم حکیمی و سید محمد صادق طباطبائی، تماس گرفت و مطلع شد که «فعالیت ماسونی در این منطقه تقریباً تعطیل شده است». جواهری می افزاید:

و مقرر گردید که در صورت احتیاج از اسناد موجود در خانه حکیم الملك که مربوط به لژ بیداری ایران بود استفاده کنم و از حافظه و اطلاعات ۱۴ نفر اعضای لژ بیداری ایران که در قید حیات بودند کمک بخواهم.^{۱۵}

ملاحظه می شود که سخن از «تعطیل تقریبی» فعالیت ماسونها در این زمان در میان است و نه قطع کامل.

فراماسونری در سالهای ۱۳۲۰

این ابهام بر تاریخ ماسونی ایران در سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۳۰، که به دلیل پیدایش شرایط مساعد سیاسی قاعدتاً باید دوران شکوفایی فعالیت ماسونی باشد، نیز سایه افکنده است. تقیّد ماسونها به حفظ اسرار تشکیلات و طریقت خود، عدم راهیابی اغیار به مجامع ماسونی - بویژه در درجات عالی، سانسور اسناد باز مانده از ماسونهای سرشناس ایرانی و انتشار مواد دلخواه توسط بازماندگان یا مراجع معین، فقدان یک سازمان اطلاعاتی متمرکز در آن زمان که فعالیت ماسونها را هدف قرار دهد و یا عدم حساسیت دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی موجود به این فعالیتها، از عوامل این ناشناختگی است. معهذا، با تعمق در داده های منتشر شده به روشنی درمی یابیم که در دوران فوق نیز فعالیت ماسونی جریان داشته و تاریخ پسین فراماسونری در ایران با تأسیس لژ پهلوی (۱۳۳۰) آغاز نمی شود.

اسماعیل رائین به نقل از محمد خلیل جواهری می نویسد:

حادثه شهریور ۱۳۲۰ ش. / ۱۹۴۱ م. و زمامداری مرحوم فروغی به من فرصتی

داد تا بار دیگر درباره امکان فعالیت فراماسونری در ایران مطالعه کنم. از این رو چند ماه بعد از زمامداری مرحوم فروغی، روزی آن مرحوم را ملاقات نمودم و با وی درباره فعالیت لژ گفتگو کردم. فروغی ضمن ابراز خوشوقتی از افکارم گفت که از دو ماه قبل اعضای لژ بیداری ایران مجدداً شروع به فعالیت کرده‌اند [و] من هم می‌توانم با آن کار کنم.^{۱۶}

ملاحظه می‌شود که در این زمان نیز سخن بر سر تجدید فعالیت «لژ» است و نه تشکیلات عالی ماسونی.

برخی از اعضای لژ بیداری ایران که در این زمان زنده بوده‌اند، عبارتند از: محمد علی فروغی، حسین سمیعی (ادیب السلطنه)، سید حسن تقی‌زاده، ابراهیم حکیمی (حکیم الملک)، علی اکبر دهخدا، دکتر اسماعیل مرزبان، حسین شکوه (شکوه الملک)، سید محمد صادق طباطبائی، احمد قوام (قوام السلطنه)، حسن وثوق (وثوق الدوله)، دکتر سعید مالک (لقمان الملک)، محمود جم (مدیر الملک)، دکتر کریم خان مخبری (سر لشکر کریم هدایت) و... و می‌دانیم که بجز یکی دو مورد معدود، بسیاری از اینان به لژ پهلوی نپیوستند.

اسماعیل رائین که ابراهیم حکیمی را «استاد اعظم لژ گرانداوریان فرانسه که ۵۳ سال فراماسون بود» می‌خواند^{۱۷}، و یا درباره پیوند او با دکتر مرتضی یزدی (از رهبران حزب توده) سخن می‌گوید^{۱۸}، مشخص نمی‌کند که او در کدام لژ عضویت داشت و به کدامین تشکیلات ماسونی فعال در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۷ (زمان مرگ او) وابسته بود. بدینسان، پیشینه فعالیت ماسونی تقی‌زاده و حسین علاء تا تاسیس لژ مهر (۱۳۳۸) و لژ بزرگ ملی ایران (۱۳۳۹) مکتوم است. معه‌ذا، در کتاب رائین شواهدی است که پیشینه فعالیت برخی بلندپایگان ماسونی ایران در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۰ را بیان می‌دارد. حسین علاء، عضو پیشین جامع آدمیت^{۱۹}، در دوران سفارت آمریکا (۱۳۲۴-۱۳۲۸) مجدداً

۱۶. همان مأخذ، ص ۷.

۱۷. همان مأخذ، ص ۱۰۱.

۱۸. همان مأخذ، ج ۱، ص ۱۳۹.

۱۹. پدر حسین علاء، (میرزا محمد علی خان معین‌الوزرا) از اعضای فراموشخانه ملکم بود (رائین، ج ۱، ص ۵۲۲). در لیست اعضای جامع آدمیت نام میرزا حسین خان درج است که به احتمال قریب به یقین باید حسین علاء باشد (همان مأخذ، ص ۶۸۱). حسین علاء در سال ۱۳۴۳ درگذشت.

به تشکیلات ماسونی پیوست (اگر بپذیریم که فعالیت او در این سالها قطع شده بود) و در بازگشت با تقی زاده و حکیم الملک ارتباط دائم داشت، و در مرداد ۱۳۳۰/ اوت ۱۹۵۱ - یعنی ۵ ماه پیش از تاسیس لژ پهلوی - عالی ترین نشان ماسونی را از گراندلژ ایده آلی جهانی مصر دریافت نمود.^{۲۰} ابوالحسن حکیمی (برادر حکیم الملک) «از ۵۰ سال پیش» (یعنی از حوالی سال ۱۲۹۷ ش.) عضو لژ الپینای سویس بود^{۲۱}، سید حسن امامی «سالهای قبل» در لژهای فرانسه عضو شده بود^{۲۲}، و «در بین فراماسونهای لژ همایون [لژ پهلوی] عده ای بودند که در فرانسه، آمریکا، عراق، هندوستان، مصر، لبنان و سوریه به طور قانونی فراماسون شده و درجات مختلف را طی کرده بودند».^{۲۳}

علاوه بر شواهد پراکنده در لابلای اوراق کتاب حجیم رائین، داده های جسته و گریخته دیگر نیز شایان توجه است. از جمله باید در خاطره ای که دکتر باقر عاقلی از مهندس محسن فروغی - پسر محمد علی فروغی و از فعالین ماسونی آن دوران - نقل می کند، دقت نمود. هر چند این اطلاع پس از انتشار با تکذیب تعصب آلود بازماندگان مصدق و مراجع معین «متکفل» این امور مواجه شد، ولی دلیل معقولی بر نادرستی آن ارائه نگردید. براستی اگر این اطلاع دروغ است، ناقل یا منبع آن چه انگیزه ای برای این «جعل» می توانست داشته باشد؟! مهندس محسن فروغی شرح می دهد که به سبب دوستی با دکتر غلامحسین مصدق، برای پدرش ساختمانی در خیابان کاخ ساخت و در پایان از پذیرش وجه امتناع نمود.

دکتر مصدق وقتی استنکاف مرا از قبول پول مشاهده کردند قلم و کاغذی از روی میز برداشتند. شرحی روی کاغذ نوشته و امضاء کردند و به دست فرزند خود داده گفتند: حالا که رفیق شما از من دستمزد قبول نمی کند من کار مهم تری برای او انجام می دهم و تا حال برای کسی این کار را نکرده ام. غلام نامه را به دست من داد. دیدم دکتر مصدق مرا به لژ فراماسونری معرفی کرده و خود معرف من شده است. به این ترتیب با معرفی ایشان من فراماسون شدم.^{۲۴}

۲۰. همان مأخذ، ج ۳، ص ۵۲۸.

۲۱. همان مأخذ، ص ۵۷۴.

۲۲. همان مأخذ، ص ۳۲۵.

۲۳. همان مأخذ، ص ۳۳۵.

۲۴. دکتر باقر عاقلی. ذکاء الملک فروغی و شهریور ۱۳۲۰. تهران: علمی، چاپ اول، ۱۳۶۷، ص ۱۶۰ - ۱۶۱. به گفته فریدون آدمیت، میرزا هدایت الله وزیر دفتر - پدر دکتر محمد مصدق - از زمره ۱۷ تن اعضا، نخستین فراموشخانه ملکم بود. (اندیشه ترقی و حکومت قانون - عصر سپهسالار، خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص ۶۸ - زیر نویس ۲۰).

مجموعه این شواهد ثابت می کند که هنوز اسرار زیادی از فعالیت فراماسونری در سالهای پیش از تاسیس لژ پهلوی پنهان مانده است و به یقین در سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ محافل فعال ماسونی درجات عالی وجود داشته و احتمالاً تداوم همین نحله در دسامبر ۱۹۶۰/ آذر - دی ۱۳۳۹ به تاسیس لژ بزرگ ملی ایران به رهبری حسین علاء و سید حسن تقی زاده انجامید.

تاسیس و انحلال لژ پهلوی

چنانچه راین شرح می دهد، در سال ۱۳۲۹ تلاش جواهری برای تشکیل یک لژ ایرانی که حق جلب «اغیار» به تشکیلات ماسونی را داشته باشد، به نتیجه نزدیک شد و حنا ابوراشد از سوی گراند لژ ایده آلی جهانی مصر به تهران آمد و پس از «ملاقات با عده ای از ماسونهای قدیمی تصمیم گرفت موافقت خود را با تاسیس لژ جدید اعلام کند»^{۲۵} ولی به تحریک «ماسونهای قدیمی»، سپهبد رزم آرا - نخست وزیر وقت - به مخالفت با این اقدام برخاست و به دستور او خبر زیر در مجله تهران مصور^{۲۶} درج شد:

در این هفته مردی به نام حنا ابوراشد وارد تهران شده است که مدعی است برای يك مقام عالی ایران نشان فراموشخانه آورده است. هنوز مقامات مملکتی به طور رسمی از ورود این شخص اطلاعی ندارند ولی در محافل سیاسی گفته شده است نشانی که این مرد آورده است، نشان و حمایل درجه سی و سوم یعنی عالی ترین نشان افتخاری فراموشخانه است. از این نشان فقط به ژرژ ششم، ترومن و ونسان اوریول رئیس جمهور فرانسه داده شده است. در میان این سه نفر فقط ترومن عضو فراموشخانه است. هنوز نیز معلوم نیست در صورتی که حامل نشان مراجعه کند، این نشان افتخاری مورد قبول واقع خواهد شد یا نه؟^{۲۷}

متن خبر بروشنی نشان می دهد که چنانکه معمول ماسونهاست، در اسفند ۱۳۲۹ درجه سی و سوم فراماسونری برای اعطا به شاه ایران آورده شده بود و گفتیم که مدتی بعد (مرداد ۱۳۳۰) درجه عالی دیگری نیز به وزیر دربار او (حسین علاء) داده شد. اختلافات رزم آرا با دربار پوشیده نیست و اگر واقعاً نشر این خبر کار او بوده، باید علت

۲۵. راین، ج ۳، ص ۱۰.

۲۶. در آن زمان تهران مصور به صاحب امتیازی احمد دهقان و سردبیری مهندس عبدالله والا منتشر می شد.

۲۷. همان مأخذ، ص ۱۱ (تهران مصور، شماره ۳۹۵، ۱۱ اسفند ۱۳۲۹).

آن را ستیزه‌های سیاسی روز دانست.

بهرروی، در ۲۴ نوامبر ۱۹۵۱/۲ آذر ۱۳۳۰ توسط گراندلژ ایده‌آلی جهانی مصر فرمان تاسیس لژ پهلوی به نام محمد خلیل جواهری، دکتر احمد هومن، دکتر محمود هومن، میروسلاو بادین، جعفر رائد، سید محمد علی امام شوشتری، محمد قریشی و ارنست پرون صادر شد و این لژ در ۱۷ دسامبر ۱۹۵۱/۲۵ آذر ۱۳۳۰ طی صورتجلسه‌ای تاسیس خود را به گراندلژ مصر اعلام داشت.^{۲۸}

محمد خلیل جواهری می‌گوید:

طی جنجال سه ساله نفت، ما در زیرزمین فعالیت می‌کردیم، در این مدت دوبار مراکز فعالیت ما مورد سوء ظن و تعقیب مقامات دولتی قرار گرفت، ولی با کمک دوستانی که در دستگاه دولت و بخصوص شهربانی داشتیم از تعرض مصون ماند.^{۲۹}

مسئلاً تاسیس لژ پهلوی با اجازه شاه بود و این لژ در دوران دولت مصدق نقش فعالی به سود اعاده سیطره مطلقه محمد رضا پهلوی ایفاء نمود. از همین روست که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ لژ پهلوی از حمایت شاه برخوردار بود. نقش ارنست پرون به عنوان یکی از گردانندگان اصلی این لژ جای هیچ شبهه‌ای در پیوند آن با محمد رضا پهلوی باقی نمی‌گذارد.^{۳۰} تنها به دلیل همین پیوند و نقش فعال پرون بود که لژ پهلوی موفق شد طی حدود ۴ سال فعالیت خود، به گفته جواهری ۲۳۳ نفر از «افراد برجسته کشور» در تهران و ۴۸ نفر در شهرستانها، و از جمله تعدادی نظامی عالی‌مقام، را به عضویت درآورد.^{۳۱}

معهدا، به دلایلی که نیاز به کاوش بیشتر دارد، لژ پهلوی از اوایل سال ۱۳۳۴ مورد بی‌مهری قرار گرفت. رضا افشار در جلسه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۴ مجلس شورا حمله شدیدی به آن نمود^{۳۲} و بالاخره حاج علی کیا (سپهبد بعدی که در آن زمان توسط شاه

۲۸. سند فوق که در کتاب راین درج نشده در آرشیو این موسسه موجود است.

۲۹. همان مأخذ، ص ۲۷.

۳۰. فردوست نکات جالبی درباره رابطه ارنست پرون و شاه با جواهری بیان کرده است (ظهور و سقوط سلطنت

پهلوی، ج ۱، ص ۱۹۲ - ۱۹۳).

۳۱. راین، ج ۳، ص ۲۷.

۳۲. همان مأخذ، ص ۸۴.

به ارتش بازگردانیده شده بود) ماموریت یافت که لژ را تعطیل کند. او «به عده‌ای از اعضا تکلیف استعفا کرد و با استعفای ۱۵ نفر از طرفداران او به محمد خلیل جواهری نیز تکلیف استعفا شد».^{۳۳} راین به صراحت از «دستور انحلال» لژ پهلوی یاد می‌کند.^{۳۴} بدین ترتیب، لژ پهلوی در اواخر سال ۱۳۳۴ یا اوائل سال ۱۳۳۵ و یا شاید دیرتر منحل شد. درباره تحریف و اغتشاش عامدانه‌ای که در کتاب راین پیرامون زمان انحلال لژ پهلوی وجود دارد در آینده سخن خواهیم گفت.

علت انحلال لژ پهلوی را باید در کشاکش‌های سیاسی روز میان جناح‌های درگیر داخلی و خارجی جستجو کرد. علاوه بر نقش حسین علا در این ماجرا - که در کتاب راین تصریح شده^{۳۵} - در مقالاتی که در سال ۱۳۳۵ توسط جهانگیر تفضلی در روزنامه ایران ما منتشر شد، رد پای امیر اسدالله علم نیز دیده می‌شود:

در اواخر دولت سپهبد زاهدی یکی از وزیران مهم آن دولت و این دولت که مردی مطلع و دانشمند است روزی که در منزلش به اتفاق دکتر امینی و علم رفته بودیم، برای ما سه نفر از خلیل جواهری و ۲۰۰ نفری که عضو لژ او شده بودند از وزیر و وکیل و... صحبت کرد... آنها را به نام طبقات جوانان و مترقی که طرفدار سیاست انگلستان و مخالف نفوذ آمریکا در ایران می‌باشند به حساب می‌گذاشتند... فراماسونهای کشور ما از علاقمندان و هواداران سیاست کهنه استعماری انگلستان می‌باشند و در کشورهای خاورمیانه نقش اصلی آنها مبارزه با نفوذ مادی و معنوی آمریکا است.^{۳۶}

راین در کتاب خود لیستی از اعضا لژ پهلوی درج کرده که بنظر نمی‌رسد کامل باشد. خود او معترف است که نام ۵ تن از اعضا لژ را «به عللی» حذف کرده،^{۳۷} از جمله مسائلی که مبهم است نوع رابطه محمد رضا پهلوی با این لژ است. سند مورخ ۱۳۵۲/۶/۱۰ ساواک به نقل از احمد براتلو حاکی است:

زمانی که جلسات فراماسونری در منزل ملکه توران به وسیله ذبیح الله ملک‌پور تشکیل می‌شد، شرایط ورود بسیار مشکل بود... شبی که آقای پهلبد، وزیر

۳۳. همان مأخذ، ص ۸۳.

۳۴. همان مأخذ، ص ۱۰۰.

۳۵. همان مأخذ، ص ۵۱۹ - ۵۲۰.

۳۶. همان مأخذ، ص ۸۷ - ۸۸.

۳۷. همان مأخذ، ص ۲۸.

فرهنگ و هنر، وارد جرگه ماسونی شد، وقتی من او را برهنه کردم و کسوت مخصوص به او پوشاندم در شگفتی خاص فرو رفت... علی جواهر کلام، که در آن موقع از گردانندگان اصلی تشکیلات ماسونی بود، شخص اول مملکت را تا پشت درب لژ هدایت کرد، ولی به عرض رسانید که درباره شخص اعلیحضرت استثنائاً تشریفات را انجام نمی‌دهیم، ولی پیشبند افتخار به شما می‌پوشانیم، زیرا ناچاراً لازم است تا حدی قسمتی از اصول رعایت گردد، در غیر اینصورت امکان ورود به لژ نیست...^{۳۸}

عضویت محمد رضا پهلوی، غلامرضا پهلوی، علی جواهر کلام و مهرداد پهلبد در تشکیلات ماسونی مسجل است، ولی مشخص نیست که این جلسه ماسونی، که در منزل ذبیح الله ملک‌پور (همسر ملکه توران - مادر غلامرضا پهلوی) تشکیل می‌شده، شاخه‌ای از لژ پهلوی بوده و یا «کارگاه» ویژه‌ای با درجات عالی.

از نکات مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تحریف نام لژ پهلوی به «لژ همایون» در کتاب راثین است که سبب گمراهی پژوهشگران شده. عنوان «لژ همایون» از زمان شروع حملات علیه جواهری - اوائل سال ۱۳۳۴ - برای پنهان داشتن پیوند او با دربار پهلوی باب شد. معهذاً، اسناد مندرج در کتاب راثین نشان می‌دهد که تا آخرین روزهای حیات این لژ، نام آن «لژ پهلوی» بوده است.^{۳۹} در این اسناد، مواردی که نام لژ، «همایون» ذکر شده، دستکاری در تصویر سند است.^{۴۰}

محمد خلیل جواهری تا اوایل دهه ۱۳۴۰ در ایران بود، از منبع مجهولی در آمد سرشار به وی می‌رسید، به عنوان محبر مجله *الاخاء* وابسته به موسسه اطلاعات، بطور دائم به کشورهای عربی سفر می‌نمود و با مقامات عالی رتبه‌ای چون ملک حسین (شاه اردن) ملاقات داشت، و بالاخره با مقامات عالی ساواک نیز در ارتباط بود.^{۴۱} او در همین سالها در بیروت در گذشت.^{۴۲}

۳۸. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۲۴۵ - ۲۴۶.

۳۹. نامه‌های مورخ ۲۰ ژوئن ۱۹۵۵ / ۲۹ خرداد ۱۳۳۴، ۱۳ اکتبر ۱۹۵۵ / ۲۰ مهر ۱۳۳۴ و ۱۱ نوامبر ۱۹۵۵ / ۱۹ آبان ۱۳۳۴ گراند لژ ملی فرانسه به جواهری. در تصویر سند اول دسامبر ۱۹۵۵ / ۹ آذر ۱۳۳۴ نام لژ پهلوی بطور کامل حذف شده (راثین، ج ۳، ص ۳۴۳، ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۵۴).

۴۰. علاوه بر برخی دیپلمهای مندرج در کتاب راثین باید به دستکاری در تصویر فرمان تاسیس لژ پهلوی و تبدیل نام لژ به «همایون» اشاره کرد. هر چند در چند سطر بعد نام لژ پهلوی عیناً آمده است. در برخی دیپلمها نیز نام لژ پهلوی عیناً چاپ شده. تصویر اصل سند و سند تحریف شده در کتاب راثین پیوست است. (سندیک)

۴۱. به اسناد ۲ الی ۴ مراجعه شود.

۴۲. راثین، ج ۳، ص ۲۸.

گراندلژهای دهه ۱۳۴۰

در سالهای پس از انحلال لژ پهلوی، تشکیلات ماسونی ایران در سه شاخه اصلی به فعالیت ادامه داد:

۱- لژهای تابع گراندلژ اسکاتلند:

کهن‌ترین این لژها، که «لژ مادر» تشکیلات ماسونی تابع گراندلژ اسکاتلند در ایران محسوب می‌شود، لژ روشنائی در ایران^{۴۳} است که از سال ۱۹۱۹ م. فعالیت داشت. ظاهراً این لژ بجز چند مورد عضو ایرانی نداشت. از جمله ایرانیان عضو لژ روشنائی دکتر مظفرالدین (میرزا رفیع خان) ارفع السلطنه خان فرخ است که در دوران ۱۶ ساله سلطنت رضا شاه نیز مقامات دولتی از عضویت او اطلاع داشتند.^{۴۴} او که دارای عالی‌ترین درجات ماسونی بود،^{۴۵} در زمان فعالیت «پلیس جنوب ایران» (S.P.R.) ریاست شعبه اطلاعات آن را به عهده داشت.^{۴۶} در کتاب راین تصاویری از «افسران» لژ روشنائی در ایران در سال ۱۳۲۹/۱۹۵۰ مندرج است که در آن علاوه بر خان فرخ، یک عضو ایرانی دیگر (محمد نمازی) را نشان می‌دهد. در این کتاب در شرح فعالیت‌های لژ روشنائی در ایران نوعی آشفتگی به چشم می‌خورد که ظاهراً به دلیل حذف برخی اسناد پدید شده و در پایان از فعالیت تشکیلات ماسونی تابع گراندلژ اسکاتلند در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۴۵، علیرغم کثرت حواشی، چیز زیادی دستگیر نمی‌شود.

طبق سند مورخ ۱۳۴۶/۱۰/۱۹ ساواک، درخواست تاسیس یک لژ جدید توسط سلیمان بهبودی و محمد قباد ظفر «به شرفعرض اعلیحضرت همایون» رسید و با اجازه وی در سال ۱۳۳۳ هیئتی مرکب از ۷ نفر (سلیمان بهبودی - رئیس تشریفات دربار، دکتر ناصر بهبودی - پسر او، مهندس محسن فروغی، مهندس حسین شقاقی، دکتر غلامرضا کیان، دکتر علی اصغر خشایار و نصرالله آذری) به بصره رفته و به عضویت لژ فیحا درآمدند. پس از ۳ سال فرمان تاسیس لژ روشنائی در تهران در تاریخ ۱۶ آبان

43. Lodge Light in Iran

۴۴. همان مأخذ، ص ۱۲۰.

۴۵. همان مأخذ.

۴۶. محمود کتیرائی. فراماسونری در ایران - از آغاز تا تشکیل لژبیداری ایران. تهران: اقبال، چاپ دوم، ۱۳۵۵، ص ۲۶۳.

۱۳۳۶ به نام افراد فوق و هفت تن دیگر صادر شد.^{۴۷} سند دیگر ساواک چنین حکایت می‌کند:

اولین کسی که از بصره به تهران آمد، میر عبدالباقی یکی از اعضاء موسس و موثر انگلستان و شاید هم انتلیجنس سرویس در خاورمیانه به ایران بود. او که خود از اعضای موثر سازمان فراماسونری اسکاتلند در ممالک عربی و سایر کشورهای خاورمیانه است در تهران در شمیران در باغ دختر نظام السلطنه مافی که همسر شیخ خزعل بوده و هم اکنون خانه مسکونی مهندس حسین شقاقی و محل تشکیل لژ فراماسونری در آنجا قرار دارد ساکن و چند اطاق را به صورت معبد و محل لژ در آورده و سپس با حضور آلکس. ت. برتن دبیر لژ اسکاتلند مقیم ادنبورگ انگلستان لژ روشنائی در تهران با حضوری عده‌ای از روسای لژ فیحا بصره تشکیل شد.

سند فوق، پس از ذکر نام ۲۶ تن از روسای لژ فیحای بصره که در مراسم تاسیس لژ روشنائی در تهران شرکت داشتند، می‌افزاید:

۲۶ نفر فوق‌الذکر همه از روسای قدیم و جدید و موثرترین فراماسونری در بصره هستند که از طرف گراندلژ انگلستان ماموریت توسعه فراماسونری در جنوب ایران، سواحل عربستان سعودی، شیخ نشینهای سواحل خلیج فارس و حتی داخل ایران هستند و اکثراً ماموریت‌های سرکشی و غیره [به] موسسات فراماسونری در ایران و سایر کارهای علنی و سری دارند.

لژ روشنائی در تهران پس از تشکیل و رسمیت یافتن آن، نخستین جلسه [خود] را با حضور آقای حسین علاء تشکیل داد.

این لژ در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷ با نام لژ تهران اعلام موجودیت نمود.^{۴۸} در سالهای ۱۳۳۷-۱۳۴۷، لژهای تابع گراندلژ اسکاتلند گسترش یافتند و لژهایی چون: کورش (آذر ۱۳۳۹)، خیام (آبان ۱۳۴۰)، اصفهان (اردیبهشت ۱۳۴۳)، ژاندارک (اردیبهشت ۱۳۴۵)، اهواز (مرداد ۱۳۴۵)، آریا (دی ۱۳۴۵)، خوزستان (اردیبهشت ۱۳۴۶)، نور (خرداد ۱۳۴۶) و کرمان (آبان ۱۳۴۷) تاسیس شد.

در سال ۱۳۴۵ برای اداره لژهای تابع گراندلژ انگلستان یک گراندلژ محلی به نام لژ

۴۷. مطالب این سند، با حذف بخشی که ارتباط این سفر را با شاه نشان می‌دهد، در کتاب راین نقل شده است (ج ۳، ص ۱۸۸-۱۸۹).

۴۸. راین، ج ۳، ص ۱۸۹.

اعظم ناحیه ایران تاسیس شد. گراندلژ فوق حدود ۲/۵ سال فعالیت داشت و با تحولات سال ۱۳۴۷ در «لژ بزرگ ایران» ادغام شد.

۲- لژهای تابع گراندلژ ملی فرانسه:

پیشینه تاسیس لژهای ایرانی تابع لژ بزرگ ملی فرانسه به سفر هیئت اعزامی لژ پهلوی به فرانسه در اوائل سال ۱۳۳۴ باز می گردد. این هیئت ماموریت داشت که مسئله الحاق لژ پهلوی به یکی از دو گراندلژ فرانسه - گراند اوریان (شرق اعظم) و گراند ناسیونال فرانس (لژ بزرگ ملی فرانسه) - را بررسی کند.^{۴۹} بالاخره، گردانندگان لژ پهلوی هوادارالحاق به لژ بزرگ ملی فرانسه شدند و هیئتی مرکب از محمود هومن، احمد هومن، مصطفی تجدد، عبدالله ظلی، عباسعلی خلعت بری، عبدالامیر رشیدی حائری، مهدی شوکتی، محمد ساعد مراغه‌ای (نخست وزیر اسبق)، عبدالحمید سنندجی و محمد علی امام شوشتری، تحت نظر لژ بزرگ ملی فرانسه در تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۳۴ لژ مولوی را در پاریس تشکیل دادند. پیر شره - استاد اعظم گراندلژ فرانسه - در نامه مورخ ۱۳ اکتبر ۱۹۵۵/۲۰ مهر ۱۳۳۴ به محمد خلیل جواهری اطلاع داد که از سوی لژ بزرگ ملی فرانسه عنوان «بزرگ بازرس کل ناحیه ایران» - یعنی درجه سی و سوم و عالی‌ترین مقام ماسونی - به وی اعطا شده است. جواهری با در اختیار داشتن دو لژ پهلوی و مولوی می‌بایست در آینده «لژ بزرگ ایران» را تاسیس می‌نمود.^{۵۰} این لژ بزرگ باید در «سال آینده» (۱۳۳۵) تاسیس می‌شد.^{۵۱}

مکاتبات جواهری با لژ بزرگ ملی فرانسه حداقل تا آذر ۱۳۳۴ ادامه داشت و در تمام این نامه‌ها وی با عنوان «استاد اعظم لژ پهلوی» خطاب می‌شد. تصویر سه نامه گراندلژ فرانسه به جواهری (مورخ ۲۰ مهر و ۱۹ آبان و ۹ آذر) در کتاب راین مندرج است. هر چند هر سه سند مخدوش شده ولی عنوان و آدرس مندرج در نامه‌ها نشان می‌دهد که خطاب به جواهری است.^{۵۲} این پرسش مطرح است که راین به چه علت قصد داشت تاریخ انحلال لژ پهلوی را خرداد ۱۳۳۴ وانمود کند و تداوم فعالیت این لژ را تا

۴۹. همان مأخذ، ص ۳۳۴ - ۳۴۰.

۵۰. همان مأخذ، ص ۳۴۷ - ۳۴۸.

۵۱. همان مأخذ، ص ۳۵۲.

۵۲. همان مأخذ، ص ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۵۴. مورد فوق کاملاً عمدی و هدفمند است. هر چند در کتاب راین بیدقتی و آشفته کاری کم نیست، ولی بنظر می‌رسد که در برخی موارد تعمدی است. برای نمونه، وی انحلال باشگاه حافظ را به سپهد زاهدی نخست وزیر نسبت می‌دهد در حالی که چند سطر بعد تاریخ انحلال را ۲۳ شهریور ۱۳۳۵ ذکر می‌کند (ص ۱۰۰) که زمان نخست وزیری حسین علاء است.

سال ۱۳۳۵ - یعنی زمان تاسیس لژ بزرگ ناحیه ایران - بپوشاند؟!
 بهر روی، جواهری به علت «خطر مخصوص»^{۵۳} اجازه فعالیت نداشت و سرانجام در جلسه‌ای، اعضاء موسس لژ مولوی به وی پیشنهاد کناره‌گیری کردند.^{۵۴} بدین ترتیب، در سال ۱۳۳۵ گراند لژ محلی ایرانی تابع لژ بزرگ فرانسه، به نام لژ بزرگ ناحیه ایران به استاد اعظمی دکتر سعید مالک تاسیس شد.

تشکیلات ماسونی تابع لژ بزرگ ملی فرانسه^{۵۵} در کنار لژ بزرگ ناحیه ایران - که کارکرد سازماندهی و اداره لژهای پایه را به عهده است. به تاسیس «شورای طریقت» نیز دست زد که کارکرد ارتقاء ماسونها از درجه ۴ به بالا را به عهده داشت و در راس آن برادران هومن قرار داشتند. اطلاع مختصر و مبهمی که راین درباره شاپتر مولوی به دست می‌دهد.^{۵۶} نخستین اطلاع از لژهای درجه عالی ماسونی در ایران است که تا کنون منتشر شده. همانطور که در مقالات آینده خواهیم دید، تداوم همین نهاد بود که در اسفند ۱۳۴۷ به تاسیس شورای عالی ماسونی ایران به «فرمانروایی» دکتر محمود هومن انجامید. بنابراین، این تصور راین که در تشکیلات جدید ماسونی تابع گراند لژ فرانسه، دکتر سعید مالک را بر فراز دکتر احمد هومن می‌بیند،^{۵۷} تصویری خطا و شاید اغتشاشی عامدانه است.

لژ بزرگ ناحیه ایران طی سال فعالیت خود (۱۳۳۵ - ۱۳۴۷) به اداره لژهایی چون: مولوی (مهر ۱۳۳۴)، سعدی (اردیبهشت ۱۳۳۹)، فروغی (اردیبهشت ۱۳۳۹)، حافظ (اردیبهشت ۱۳۳۹ در شیراز)، شمس تبریزی (فروردین ۱۳۴۰ - انتقال به تبریز)، ابن سینا (فروردین ۱۳۴۱)، مزدا (اسفند ۱۳۴۱)، لافرانس (اردیبهشت ۱۳۴۳)، خورشید تابان^{۵۸} (خرداد ۱۳۴۴)، و کسرا (آبان ۱۳۴۴) پرداخت.

۵۳. همان مأخذ، ص ۳۴۹.

۵۴. همان مأخذ، ص ۳۵۵.

۵۵. در کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (ج ۲، ص ۳۳۷، ۴۰۹) از «گراند اوریان فرانسه» نام برده شده که اشتباه است و صحیح «گراند ناسیونال دفرانس» می‌باشد.

۵۶. راین، ج ۳، ص ۳۵۸.

۵۷. همان مأخذ، ص ۳۵۶.

۵۸. در کتاب راین تنها باشگاه خورشید تابان معرفی شده و از لژ فوق که توسط دکتر منوچهر اقبال، مصطفی تجدد و دیگران تاسیس شد نامی نیست. در آینده، در بحث پیرامون لژ بزرگ ایران، به معرفی این لژ نیز خواهیم پرداخت.

همانطور که ملاحظه می‌شود، در فهرست فوق خلاء چشمگیری وجود دارد. لژ بزرگ ناحیه ایران در فاصله تاسیس دو لژ مولوی و سعدی (۱۳۳۵-۱۳۳۸) ظاهراً تنها یک لژ (مولوی) را اداره می‌کرده که پذیرفتنی نیست و قطعاً در زمان تاسیس این گراندلژ ناحیه‌ای حداقل ۳ لژ تابع وجود داشته است. شاید علت اینکه در کتاب راین تاریخ تاسیس لژ بزرگ ناحیه ایران ذکر نشده و مسئله به ابهام برگزار شده^{۵۹} برای استتار همین مسئله باشد. سپس، طی سالهای ۱۳۳۹-۱۳۴۴ لژ بزرگ ناحیه ایران به تاسیس ۹ لژ دست زد و ناگهان در سالهای ۱۳۴۵-۱۳۴۷ این فرایند متوقف شد!

۳- لژهای تابع گراندلژهای متحد آلمان:

به گفته راین، ظاهراً نخستین لژ ایرانی تابع لژهای بزرگ متحد آلمان لژ مهر بود که در ۱۷ بهمن ۱۳۳۸ در تهران تاسیس شد و حسین علاء به عنوان نخستین استاد آن انتخاب گردید. بنیانگذاران این لژ عبارت بودند از: حسین علاء، سید حسن تقی‌زاده، نصرالله صبا (مختارالملک)، عبدالله انتظام، دکتر تقی اسکندانی، ابوالحسن حکیمی و فوگل (آلمانی).^{۶۰} چنانکه در آئین‌نامه لژ مهر مندرج است، این نهاد نیز مانند سایر لژهای پایه در سه درجه نخستین ماسونی فعالیت داشت.^{۶۱}

نکته جالب در تاسیس لژ مهر، حضور ماسونهای قدیمی و سرشناس، بازماندگان جامع آدمیت و لژ بیداری ایران و فرزندان نسل اول ماسونهای ایرانی در صفوف آن است.

افراد فوق پس از مدتی به تاسیس دو لژ آفتاب و ستاره سحر (به استادی جعفر شریف امامی) دست زدند و سپس با موافقت لژهای بزرگ متحد آلمان یک گراندلژ ناحیه‌ای به نام لژ بزرگ ایران به‌پا داشتند. به گفته راین، این گراندلژ «ایرانی کردن» ریتوئل‌های ماسونی را آغاز کرد.^{۶۲} این همان سنتی است که در آینده تداوم آن را در شورایعالی ماسونی ایران خواهیم دید.

راین می‌نویسد: «پنج سال بعد از اینکه لژهای آلمانی فعالیت خود را آغاز کردند

۵۹. همان مأخذ، ص ۳۵۵-۳۵۸.

۶۰. همان مأخذ، ص ۵۲۱.

۶۱. همان مأخذ، ص ۵۵۲.

۶۲. همان مأخذ، ص ۵۲۳. (این گراندلژ موسوم به «لژ بزرگ ایران»، با گراندلژ مستقلی که بعدها - در اسفند ۱۳۴۷ - به همین نام و به رهبری جعفر شریف امامی تاسیس شد تفاوت دارد).

و گراندلژی تشکیل دادند»، در دسامبر ۱۹۶۰ با موافقت لژهای بزرگ متحده آلمان استقلال ۴ لژ فوق و تاسیس گراندلژ ملی ایران را اعلام داشتند.^{۶۳} دسامبر ۱۹۶۰ برابر با آذر- دی ۱۳۳۹ است و بنابراین اگر گراندلژ ایران ۵ سال سابقه فعالیت داشته، آغاز کار آن باید به سال ۱۳۳۴ بازگردد و نه به تاسیس لژ مهر در سال ۱۳۳۸. اگر آغاز فعالیت لژهای تحت رهبری علاء - تقی زاده - انتظام را حداقل سال ۱۳۳۴ بدانیم، این اطلاع با فعالیتهای علاء و دیگران علیه جواهری در آن سال انطباق می یابد و این گفته علا که وی «درازهم پاشیدن» تشکیلات جواهری «پیشقدم» بود،^{۶۴} معنای خاصی می یابد. این اطلاع بار دیگر ثابت می کند که از سال ۱۳۳۴ محمد رضا پهلوی و اطرافیان او برای تجدید سازمان فراماسونری ایران و «خودی کردن» آن حرکتی را آغاز کردند که در سال ۱۳۳۹ به تاسیس لژ بزرگ ملی ایران انجامید. معهذاً «استقلال» این گراندلژ ایرانی از سوی گراندلژ اسکاتلند و گراندلژ ملی فرانسه به رسمیت شناخته نشد و پس از چندی گراندلژ آلمان نیز ارتباط خود را با آن قطع کرد.^{۶۵} لژ بزرگ ملی ایران سپس به تاسیس دو لژ دیگر (وفا و صفا) دست زد.^{۶۶} دبیر خانه این گراندلژ در انجمن اخوت مستقر بود و جلسات ۴ لژ تابع آن (مهر، آفتاب، صفا، وفا) در این مکان برگزار می شد.^{۶۷} به گفته راین، یک سال پس از تاسیس لژ بزرگ ملی ایران - یعنی در سال ۱۳۴۰ - لژ ستاره سحر به کارگردانی ۳ سناتور (جعفر شریف امامی، علی اشرف احمدی، علی امیر حکمت) از آن خارج شد و مجدداً به تابعیت لژهای بزرگ متحد آلمان درآمد. لژ ستاره سحر از سوی گراندلژهای بین المللی به رسمیت شناخته شد و در سال ۱۳۴۳/۱۹۶۴ به تاسیس لژ ناهید دست زد.^{۶۸}

چکیده آنچه که گفته شد را می کوشیم بطور خلاصه ارائه دهیم:

طی سالهای ۱۳۳۰-۱۳۴۷ تحولاتی در تشکیلات ماسونی ایران در جریان بود که

۶۳. همان مأخذ، ص ۵۲۴

۶۴. همان مأخذ، ص ۵۲۰.

۶۵. همان مأخذ، ص ۵۲۵.

۶۶. همان مأخذ، ص ۵۲۶.

۶۷. همان مأخذ، ص ۵۰۵.

۶۸. همان مأخذ، ص ۵۲۸.

در اواخر این دوره به انسجام چهار طریقت ماسونی انجامید:

۱. لژ پهلوی در ۲۵ آذر ۱۳۳۰ توسط محمد خلیل جواهری، ارنست پرون، محمود هومن، احمد هومن، جعفر رائد و دیگران تاسیس شد و تا سال ۱۳۳۵ فعالیت داشت.
۲. از سال ۱۳۳۴ حسین علاء، سید حسن تقی زاده، عبدالله انتظام، جعفر شریف امامی و دیگران به تاسیس یک تشکیلات جدید ماسونی دست زدند که به تابعیت گراندهای متحد آلمان درآمد و یک گراندهای محلی ایجاد نمود. این تشکیلات پس از استقلال لژ بزرگ ملی ایران، به رهبری جعفر شریف امامی به فعالیت ادامه داد.
۳. در سال ۱۳۳۵ دکتر محمود هومن، دکتر احمد هومن، دکتر سعید مالک و دیگران به تاسیس یک گراندهای محلی تابع گراندهای ملی فرانسه به نام لژ بزرگ ناحیه ایران دست زدند.

۴. در اواخر سال ۱۳۳۹ توسط حسین علاء، سید حسن تقی زاده، عبدالله انتظام و دیگران گراندهای محلی تابع گراندهای متحد آلمان اعلام استقلال کرد و خود را لژ بزرگ ملی ایران نامید. این گراندهای در جنب خود دارای تشکیلاتی موسوم به «اتحادیه جهانی فراماسونری» به ریاست ابوالحسن حکیمی بود.^{۶۹}

۵. در سال ۱۳۴۵ تشکیلات ماسونی تابع گراندهای اسکاتلند نیز به تاسیس یک گراندهای محلی به نام لژ اعظم ناحیه ایران به کارگردانی کریستوفر اسحق فری دست زد. همانطور که ملاحظه شد، صرفنظر از پیشینه فراماسونگری در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۰ که کاملاً مکتوم مانده، اگر کتاب رائین را از اغتشاشات و تناقضات و فهرستهای اسامی و توضیحات حاشیه‌ای بپیراییم، در می‌یابیم که درباره فعالیت‌های ماسونی سالهای ۱۳۳۴-۱۳۴۷ نیز اطلاعات ناگفته فراوان است. مهم‌ترین این ناگفته‌ها تشکیلات درجات عالی ماسونی در این دوران است. در سال ۱۳۴۷ چهار گراندهای (ایرانی، آلمانی، فرانسوی، انگلیسی) در ایران وجود داشتند که در درجات یک الی سه فعالیت می‌نمودند. طبق قوانین اساسی ماسونی جهانی این گراندها باید در جنب خود دارای «شورای طریقت» و لژهای ویژه درجات عالی (شاپتر و کارگاههای عالی‌تر) می‌بودند، که در کتاب رائین تنها بطور مبهم به یک شاپتر (شاپتر مولوی) اشاره شده است. احتمالاً «اتحادیه بین‌المللی فراماسونری» - که در جنب لژ بزرگ ملی ایران فعالیت داشته - نیز چنین نهادی بوده است.

شاه و تمرکز ماسونها

سال ۱۳۴۷ مقارن با تحولاتی در ساختار سیاسی دو قدرت بزرگ غربی موثر در ایران (ایالات متحده آمریکا و انگلستان) می‌باشد. این تحولات در آبان ۱۳۴۷ به ریاست جمهوری ریچارد نیکسون از حزب جمهوریخواه و در سال ۱۳۴۸ به شکست نا منتظر حزب کارگر بریتانیا در انتخابات و سقوط دولت ۶ ساله هارولد ویلسون (۱۳۴۳ - ۱۳۴۸)^{۷۰} و نخست وزیری ادوارد هیث رهبر حزب محافظه کار انجامید. تقارن حاکمیت دو گروه همبسته فوق در آمریکا و انگلیس، به عنوان راستگراترین باندهای سیاسی نماینده مجتمعات زرسالار غرب، را باید مهمترین عامل موثر در تحکیم سلطنت پهلوی و اوج سلطنت مطلقه او محسوب داشت.

همزمان با انتخابات ریاست جمهور آمریکا شاهد جنب و جوش جدی در محافل حاکمه ایران و رقابت و ستیز شدید باندهای سیاسی کشور بمنظور ساقط کردن دولت امیر عباس هویدا و تصرف دولت جدید هستیم. با پیروزی نیکسون و تحکیم بیسابقه قدرت شاه، تلاش او برای پایان بخشیدن به رقابت محافل سیاسی گوناگون و تامین سیطره بلا منازع خود بر این محافل آغاز شد. یکی از مهمترین این اقدامات فرو ریختن بساط گراندلژهای ماسونی پیشین و ایجاد یک تشکیلات متمرکز و کاملاً مطیع بود که با فضای سیاسی نوین داخلی و خارجی همخوانی داشته باشد.

۷۰. در دوران ۶ ساله دولت هارولد ویلسون توسط باندهای راستگرای آمریکا و انگلیس فعالیت‌های توطئه گرانه جدی برای ساقط کردن آن جریان داشت. پیترایت - کارمند باز نشسته سرویس امنیتی بریتانیا (MI - 5) - در خاطرات جنجالی خود میزان نفرت سرویسهای اطلاعاتی آمریکا و انگلیس از ویلسون را فاش کرد. به گفته رایت، این سرویسها حتی به ویلسون بعنوان «عامل شوروی» می‌نگریستند و او را «یک تهدید لعنتی برای کشور» می‌شمردند (شناسایی و شکار جاسوس، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۵۶۱ - ۵۶۹). فعالیت این سرویسها در سقوط دولت ویلسون موثر بود. با شناخت رقابتها و ستیزهای محافل سیاسی انگلیس در سالهای ۱۳۴۳ - ۱۳۴۸، موج تبلیغاتی ظاهرأ ضد انگلیسی که در همین زمان توسط رژیم پهلوی در ایران آغاز شد مفهوم خواهد بود. این حرکت را، که به شکل انتشار برخی مقالات و کتب نمود یافت و اسماعیل راثین از فعالین درجه اول این عرصه بود، دقیقاً باید به حساب پیوند عمیق دربار پهلوی با راستگراترین محافل سیاسی - مالی آمریکا و انگلیس گذاشت و بعنوان بخشی از تحریکات جهانی به منظور تضعیف دولت ویلسون ارزیابی کرد. این از عجایب تاریخ معاصر ایران است که هر گاه حزب کارگر در بریتانیا به قدرت رسیده، پهلوی‌ها ناگهان «ضد انگلیسی» شده‌اند! در دوران سلطنت رضا شاه نیز چنین بود و «ضد انگلیسی» گری او با سالهای حاکمیت حزب کارگر و دولت رمزی مک‌دونالد (۱۹۲۹ - ۱۹۳۵) تقارن داشت. و عجیب‌تر اینجاست که این ژست‌ها تأثیر عکس داشت؛ در باور عمومی مردم ایران - بر اساس یک شناخت عمیق تجربی - هم رضا شاه بعنوان «عامل انگلیس» حک شد و هم امیر اسدالله علم - این «ضد انگلیسی» ترین رجل سیاسی دوران پهلوی دوم!

در این سازمان جدید باید به نفوذ برخی کمپانی‌های انگلیسی که از دیرباز در برخی محافل سیاسی ایران نفوذ داشتند پایان داده می‌شد و حذف پایگاه ایرانی آنان به سود اقتدار بلامنازع محافل مالی رقیب آمریکایی و انگلیسی تأمین می‌گردید. از مهمترین این کمپانی‌ها کمپانی لینچ است که رد حضور آن در ایران و رقابت آن با برخی محافل مالی - سیاسی انگلیسی و آمریکایی را تا گذشته‌های دور می‌توانیم پی‌یابی کنیم.^{۷۱}

در جا به جای کتاب راین حملات او به کمپانی لینچ و سرهنگ استراکر - مردی که ((۲۰ سال بر فراماسونهای ایرانی ریاست و سروری داشته و هنوز هم دارد))^{۷۲} - به چشم می‌خورد.^{۷۳} راین مدعی است که کمپانی لینچ طی سالهای ۱۳۳۲ - ۱۳۴۷ بتدریج توانست از طریق تشکیلات ماسونی تابع گراندلث اسکاتلند به یک قدرت متنفذ سیاسی در ایران تبدیل شود و این نفوذ از طریق استراکر - رئیس کمپانی لینچ در ایران - و کریستوفر اسحق فری تأمین می‌شد. این اظهارات به روشنی یکی از اهداف افشاگریهایی که در سال ۱۳۴۷ علیه بخشی از تشکیلات ماسونی ایران صورت گرفت، و کتابهای فراموشخانه و فراماسونری در ایران (اسماعیل راین) و فراماسونری در ایران (محمود کتیرائی) جنجالی‌ترین نموده‌های آن بود، را نشان می‌دهد.

اسناد موجود نشان می‌دهد که رقابت کمپانی لینچ با نفوذ رقبای انگلیسی و آمریکایی - که به علت پیوند عمیق خود با شاه و امیر اسدالله علم دست بالا را در ایران داشتند - در سالهای ۱۳۴۳ - ۱۳۴۷، احتمالاً به علت حمایت محافلی از حزب کارگر

۷۱. رقابت دیرین کمپانی انگلیسی لینچ و محافل سیاسی پشتیبان آن با «باندهای رقیب» از عناصر موثر در برخی حوادث مرموز و تحلیل نشده تاریخ معاصر ایران است. این رقابت چنان در ضمیر برخی روشنفکران وابسته به «محافل رقیب» حک شده که بطور غیر ارادی هر گونه پژوهش تاریخی که پیوندهای دیرین آنان را هدف قرار دهد - حتی اگر کاملاً طبیعی و مستقل باشد - به کمپانی لینچ منسوب می‌کنند. از جمله، دکتر فریدون آدمیت که مطالعات دکتر حامد الگار در تاریخ فراماسونری ایران را افشاگر اسرار «خاندان» خود می‌بیند، با هتاکی غیر محققانه - که با پوسته آراسته نوشتار وی بکلی مغایر است - او را «حامدالگار جدیدالاسلام محصول کمپانی لینچ» و «معلم خرفت و بی‌فرهنگ و شارلاتان آمریکایی» می‌خواند! (شورش بر امتیازنامه رژی. تهران: پیام، چاپ اول، ۱۳۶۰، ص ۱۴۶). دکتر همانا طبق نیز سیره استاد را ادامه می‌دهد و از هتاکی به الگار فرو گزار نمی‌کند (ایران در راه یابی فرهنگی. لندن: پیام، ۱۹۸۸، ص ۲۳). «عین‌گرایی» و «بیطرفی» این دست محققین تاب‌دانا می‌کشد که آدمیت در حالیکه پژوهشهای الگار در تاریخ ماسونی ایران را تخطئه می‌کند، اثر سبک و کم‌مایه و «فرمایشی» کتیرائی را می‌ستاید و آن را واجد «دقت علمی خاص» و «جامع اطلاعاتی که تا کنون درباره فراموشخانه به دست آمده» می‌خواند (اندیشه ترقی و حکومت قانون، ص ۶۶ - زیرنویس ۱۶).

۷۲. راین، ج ۳، ص ۲۱۰.

۷۳. همان مأخذ، ص ۱۷۳، ۱۹۴، ۲۱۰، ۳۵۹، ۴۵۲.

انگلیس و دولت‌ها رولدویلسون، بالا گرفت. از جمله این موارد، مقابله برخی ماسونهای تحت نفوذ کمپانی لینچ با اقتدار بلا معارض رقبای انگلیس و آمریکایی بود که در مخالفت آنان با «لایحه مصونیت سیاسی آمریکائیان» بازتاب یافت. داستان مخالفت دو تن از بنیانگذاران لژ تهران - سلیمان بهبودی رئیس تشریفات دربار و پسر او دکتر ناصر بهبودی نماینده مجلس - با این لایحه، که سبب مغضوبیت و برکناری سلیمان بهبودی شد،^{۷۴} داستان مشهوری است.

کاظم مسعودی مدیر روزنامه آژنگ به یکی از دوستان خود گفته است: روزی که مهندس بهبودی در مجلس شورای ملی با لایحه مصونیت مستشاران خارجی مخالفت شدید نمود در محافل پارلمانی و مطبوعاتی چنین شهرت یافت که شاهنشاه با این لایحه نظر موافق ندارند و نطق مهندس بهبودی طبق دستور شاهنشاه انجام شده است. کاظم مسعودی می‌گفت این موضوع آنقدر جالب بود که خود آقای منصور نخست وزیر هم دچار شك و تردید گردید و تصور کرد پوست خربزه زیر پای دولت قرار گرفته است و فوراً به حضور ملو کانه شرفیاب و انعکاس نطق بهبودی را به عرض رسانید. شاهنشاه در پاسخ فرموده بودند با این لایحه صد درصد موافقت و دستور می‌دهند پدر مهندس بهبودی را از دربار شاهنشاهی مرخص کنند و روزی که بهبودی از دربار مرخص گردید نمایندگان مجلس متوجه شدند توهم آنها در اینکه شاهنشاه با این لایحه مخالفند بیهوده بوده و اکنون دولت ظاهراً در مجلسین دارای موقع کاملاً مستحکمی می‌باشد.^{۷۵}

سند مورخ ۱۳۴۳/۸/۱۹ ساواک، که منشاء آن اطلاع یک کارمند سفارت آمریکا عنوان شده، حاکی است که ظاهراً این اقدام بهبودی‌ها به دستور گردانندگان لژ تهران بوده است:

روز ۲ مهر ۱۳۴۳ لژ فراماسونری تهران که از لژهای تابعه اسکاتلند می‌باشد

۷۴. سلیمان بهبودی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد توجه خاص شاه بود و به پاس «فعالیتها و خدمات مهم» در این حادثه يك قطعه نشان درجه يك رستاخیز دریافت داشت و در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۳۲ رئیس تشریفات داخلی دربار شد. اسناد ساواک از سال ۱۳۳۶ برخی مخالفت‌های وی را با اسدالله علم ثبت کرده است. بهبودی در اوائل آبان ۱۳۴۳ «طبق دستور تلفنی آقای قدس نخعی» برکنار و خانه‌نشین شد (سند ساواک، ۱۳۴۳/۸/۲۵).

۷۵. سند ساواک، ۱۳۴۳/۸/۱۹.

ضمن صورت مجلس شماره ۱۷ - ۴۳ به کلیه اعضا خود دستور داده که علیه لایحه مصونیت سیاسی آمریکائیان اقدام کنند. نطق مهندس بهبودی هم طبق دستور مهندس حسین شقاقی استاد اعظم لژ مذکور بوده است.

اظهارات سلیمان بهبودی رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی که او هم عضو لژ روشنائی در ایران است ناشی از همین سیاست فراماسونها بوده است. به او گفته شده بود که سعی کند تا طرح لایحه در مجلس شورای ملی را به عقب بیاندازد و به همین جهت بود که از اعلیحضرت تقاضای تاخیر طرح لایحه کرده بود. لژهای فرانسوی به ریاست دکتر مالک و دکتر هومن نیز چنین اقدامی کرده‌اند.^{۷۶}

اسناد ساواک نشان می‌دهد که در سالهای بعد نیز برخی تک خوانی‌ها در برخی لژهای ماسونی وجود داشت و بدین جهت شاه از طریق ماسونهای تابع خود حرکت‌هایی را در جهت «استقلال» تشکیلات فراماسونری ایران آغاز نمود. در این ماجرا دکتر احمد هومن نقش مهمی ایفا کرد. وی همان کسی است که در سال ۱۳۳۵ نیز در اجرای برکناری جواهری نقش اساسی داشت. هومن در این زمان «فرمانروای عالیقدر آرئوپاژ میترا» و عضو شورایعالی درجه سی و سوم ماسونی ایران - تابع شورایعالی فرانسه - بود. حذف نام شارل ریاندی - «بزرگ فرمانروای کل» شورایعالی ماسونی فرانسه که در آبان ۱۳۴۶ به ایران سفر نمود - از کتاب راین این ظن را پدید می‌سازد که احتمالاً وی نیز نقش مساعدی به سود شاه داشته است.^{۷۷}

اسماعیل راین در کتاب خود نقش دکتر احمد هومن را در این ماجرا مورد تصریح قرار داده و این حوادث را «طغیان علیه سیاست انگلستان» خوانده است! او تلویحاً به نامه مورخ «سپتامبر سال جاری» (۱۳۴۷) دبیر لژ بزرگ اسکاتلند اشاره کرده که در آن دکتر هومن به خودخواهی متهم شده است.^{۷۸} سند زیر اطلاع بیشتری از متن این نامه به دست می‌دهد و حوادث پس پرده بحران ماسونی ایران در سال ۱۳۴۷ را کاملاً روشن می‌کند:

۷۶. سند پیوست (شماره ۵).

۷۷. در کتاب راین در فهرست اعضای افتخاری لژ سعدی (ج ۳، ص ۳۷۷) اسامی زیر حذف شده: شارل ریاندی، ژرژ هازان، ژرژ واگنر، ژاک روبرت.

۷۸. راین، ج ۳، ص ۱۶۶.

[گزارش مدیر کل امنیت داخلی ساواک به ریاست ساواک]

طبقه بندی: سری

مورخ ۱۳۴۷/۷/۷

منظور:

احتراماً به استحضار می‌رساند

اخیراً از جانب دبیر بزرگ لژ اسکاتلند نامه‌ای جهت کریستوفر ایزاک فری (تبعه انگلستان، استاد و ناظر اعظم لژهای فراماسونری ناحیه ایران) ارسال که ضمن آن اعلام نمود:

«من شخصاً تعجب نکردم از اینکه برادران احمد و محمود هومن گرفتاریهایی دارند زیرا آنان همیشه افزون خواه و جاه طلب بوده و احتمال این نیز هست که نامبردگان در جریان استقلال لژ بزرگ مستقل ملی ایران تحت نظر لژ بزرگ ملی فرانسه دخالتی نداشته باشند. جای کمال تأسف است که علی مرنندی (نماینده مجلس شورای ملی و از عناصر موثر و مورد اطمینان تشکیلات فراماسونری فرانسه در ایران) در این جریان آلوده شده‌اند و هر چند ممکن است که آنان این شکاف را به موقع و به مصلحت وقت به وجود آورده باشند زیرا بایستی قبول نمود که آنان اوضاع و احوال را خیلی آشکارتر از دیگران مشاهده می‌کنند. در خاتمه ضمن اینکه یادآور می‌شوم که در هندوستان سه هیئت نمایندگی در مراسم تقدیس و تاسیس شرکت نموده‌اند عقیده دارم که استاد بزرگ لژ مستقل ملی ایران بایستی جنبه تشریفاتی داشته باشد و شما و سعید مالک (سناتور و از مسئولین لژهای فراماسونری فرانسه در ایران) حتی الامکان صندلی‌های سرپرستی را اشغال کنید.»

سابقه:

۱- اخیراً اوامری شرفصدور یافته دایر بر اینکه لژهای فراماسونری ایران اقدام به جدایی از لژهای خارجی نموده و لژ بزرگ ایران را بدون هیچگونه وابستگی تشکیل دهند.

۲- چندی قبل لژ بزرگ اسکاتلندی نامه‌ای که به عنوان کریستوفر ایزاک فری در ایران ارسال داشته تا کید نموده بایستی کلیه فرمانهایی که از جانب لژ مذکور جهت لژهای ایرانی صادر شده به لژ بزرگ عودت داده شوند.

اقدامات انجام شده:

مراتب فوق در تاریخ ۱۹/۶/۴۷ طی گزارشی که با راهنما مشخص است از عرض گذشت. ضمناً وضعیت کنونی تشکیلات فراماسونری در ایران و همچنین آخرین تحولات آن نیز طی بولتن ویژه‌ای در تاریخ ۹/۵/۴۷ به دفتر ویژه اطلاعات ارسال گردیده است.

نظریه:

با عرض مراتب فوق از مفاد نامه ارسالی لژ بزرگ اسکاتلند چنین استنباط می‌گردد:

۱- با اینکه اوامر جهانمطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر مبنی بر عدم وابستگی لژهای ایرانی به فراماسونری جهانی (لژ بزرگ اسکاتلند، لژ بزرگ ملی فرانسه، لژ بزرگ آلمان) شرفصدور یافته معهدا به نظر می‌رسد که لژ بزرگ مستقل ملی ایران پس از تشکیل، در سطح بالا گرایشی به سوی لژ بزرگ ملی فرانسه داشته و به این ترتیب نظرات مقامات این لژ به وسیله ماسونهای مؤمن و متعصب به تشکیلات فراماسونری فرانسه در امور تشکیلاتی لژ مستقل ملی ایران مطمح نظر قرار گیرد. زیرا اشتیاق ماسونهای ایرانی وابسته به فراماسونری فرانسه بیش از سایر ماسونها به منظور تاسیس لژ مستقل ملی ایران از يك طرف و اظهار تاسف مقامات لژ بزرگ اسکاتلند از فعالیت ماسونهای مذکور از طرف دیگر این مطلب را تأیید که خود در خور توجه بسیار می‌باشد.

۲- مقامات لژ بزرگ اسکاتلند که اوامر ملو کانه را به خوبی درك نموده‌اند اگر چه باطناً مایل نمی‌باشند نفوذ قابل ملاحظه کنونی خویش را در تشکیلات فراماسونری ایرانی از دست بدهند لیکن از آنجا که هر گونه مخالفتی را در این زمینه به ضرر و با محدود ساختن فعالیت ماسونهای ایرانی وابسته به گراندلژ مذکور مواجه می‌بینند معتقدند حالا که موضوع تشکیل لژ بزرگ مستقل ملی ایران در پیش است و خواهی نخواهی کریستوفر ایزاک فری از سمت فعلی خویش بر کنار و از وجود یکی از ماسونهای معروف ایرانی برای احراز سمت ناظر اعظمی لژ بزرگ مستقل ایران استفاده خواهد شد لااقل ترتیبی بدهند که نفوذ خویش را بطور کامل از دست ندهند بلکه نظرات خود را در رده‌های پائین‌تری از مقام ناظر اعظمی (سرپرست ارجمند اول و دوم) اعمال نمایند که اظهار علاقه مقامات گراندلژ مذکور مبنی بر احراز کرسی‌های سرپرستی توسط کریستوفر

ایزاک فری خود دلیلی است برای اثبات این موضوع.

مراتب احتراماً از عرض می گذرد.^{۷۹}

معمای کتاب رائین

اسماعیل رائین از اعجوبه‌هایی است که در مکتب سیاسی و مطبوعاتی سالهای ۱۳۲۰ پرورش یافت. طبق سند بیوگرافیک ساواک، او در سال ۱۲۹۸ در بوشهر به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۴ به عنوان تلگرافچی در وزات پست و تلگراف استخدام شد. در جریان وقایع آذربایجان تلگرامهای واصله از این استان را در نشریات کیهان، تهران مصور و آتش چاپ کرد و از این طریق به مطبوعات راه یافت. او سپس به همکاری با روزنامه اطلاعات پرداخت. در سال ۱۳۲۹ به علت نشر خبری علیه رزم آرا به دستور او از موسسه فوق برکنار شد و به فعالیت مطبوعاتی در تهران مصور و روشنفکر ادامه داد.

پیشینه سیاسی رائین پیچیده و عجیب است. او از سویی، پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از طرف حزب توده به عنوان خبرنگار به فستیوال جهانی جوانان در بخارست اعزام شد و پس از بازگشت - به علت وقوع کودتا - در بندر انزلی دستگیر و به تهران اعزام شد و پس از چند روز آزاد گردید. و از سوی دیگر، طبق اظهار خود وی به علی حافظی - مدیر روزنامه دنیای جدید - «به خواهش والاحضرت اشرف پهلوی زندگی خود را به باد دادم و زحمت کشیدم [و] وقتی که خرشان از پل گذشت دیگر مرا نشناختند».^{۸۰} او در این مکالمه، نصرت‌الله معینیان - رئیس جدید الانتصاب دفتر مخصوص شاهنشاهی - را به علت «سرپرستی به آمریکا» و خدمتگزاری به یاتسوویچ (رئیس سیل در ایران) مورد حمله شدید قرار می‌دهد. اسماعیل رائین از بدو تاسیس ساواک با شماره رمز ۱۴۹۸ با آن همکاری داشت. یکی از سوژه‌های فعالیت او نفوذ در سفارت شوروی و وابستگان ایرانی آن در پوشش پژوهش در تاریخ حزب کمونیست ایران بود. در این زمینه، امکانات و اسناد مورد نیاز او توسط ساواک تامین می‌شد و دستور صریح سرتیپ علوی کیا - معاون ساواک - چنین بود: «هر اطلاعی که دارید در اختیار آقای رائین بگذارید» و «به رائین هر قدر ممکن است کمک شود».^{۸۱}

۷۹. سند پیوست (سند شماره ۶).

۸۰. سند ساواک، ۱۳۴۵/۹/۱۷.

۸۱. به اسناد پیوست (شماره‌های ۷ و ۸) مراجعه شود.

آشنائی راین با شاپور جی ریپورتر مسلم است. او با برادران آدمیت نیز روابط حسنه داشت، به نحوی که در سال ۱۳۴۲ تهمورس آدمیت - سفیر ایران در شوروی - از نخست وزیر «تمنا» ی اعزام راین به این سفارتخانه را نمود.^{۸۲} راین در سال ۱۳۴۴ به همراه ۵ روزنامه‌نگار ایرانی دیگر^{۸۳} به اسرائیل سفر کرد. آنان طی ملاقاتهایی با سران این رژیم در باره دوستی و حمایت ایران از اسرائیل سخن گفتند و به علت زیاده‌روی در این مجیزگویی نامشان در لیست سیاه مطبوعات ضد صهیونیستی عرب قرار گرفت.

کتاب فراموشخانه و فراماسونری در ایران با همکاری فعال ساواک تهیه و منتشر شد. تطبیق اسناد مندرج در کتاب راین با اسناد فراماسونری بایگانی ساواک نشان می‌دهد که بخش مهمی از این اسناد - به شکل دست چین شده - عیناً در کتاب راین منتشر شده است. ساواک برای دستیابی به اسناد تشکیلات عالی ماسونی به عملیات ویژه‌ای (چون دستبرد به کیف دکتر محمود هومن) نیز دست زد.^{۸۴} اینگونه اسناد در اختیار راین قرار می‌گرفت. معه‌ذا، طی عملیات انتشار کتاب راین و پس از آن حداعلا تلاش ساواک این بود که دست این سازمان در ماجرای فوق پنهان بماند و در مکاتبات رسمی بازتاب نیابد. بررسی اسناد راین در بایگانی ساواک نشان می‌دهد که همکاری او دارای طبقه‌بندی بالا (سری) بود و لذا بسیاری از کارمندان این سازمان از ماجرا اطلاع نداشتند. برای نمونه، پس از انتشار کتاب فراماسونری، راین در مصاحبه با یکی از کارمندان ساواک اظهار داشت که «ارتباطی با دستگاههای اطلاعاتی ندارد و غیر از رهبر خود کسی را ملاقات نمی‌کند». رئیس بخش مربوطه در زیر عبارت «غیر از رهبر خود» خط کشیده و در حاشیه آن نوشته: «یعنی چه؟»

سند زیر غوغای پس از انتشار کتاب و فشار ماسونها بر راین را چنین منعکس می‌کند:

تاریخ: ۱۳۴۸/۵/۷

به: تیمسار مدیریت کل اداره هشتم

از: دایره دوم عملیات شوروی ۸۱۳ / ج

موضوع: ملاقات با منبع ۱۴۹۸

محترماً به استحضار می‌رساند:

۸۲. سند پیوست (شماره ۹).

۸۳. علی اصغر امیرانی، اسماعیل پوروالی، اسعد رزم آرا، دکتر بهزادی، کاظم زرننگار. (۱۰۱). تهران: نشر نی.

۸۴. سند پیوست (شماره ۱۰).

ضمن ملاقاتی که در تاریخ ۷/۵/۴۸ با منبع ۱۴۹۸ در محل کارش به عمل آمد نامبرده اظهار داشت: در ملاقاتی که با مورخ الدوله سپهر نموده نامبرده از طرف جامعه فراماسیونها به منبع پیغام داده که فراماسیونها حاضرند مبلغ دویست هزار تومان به منبع بدهند تا منبع جلد چهارم کتاب خود را به چاپ نرساند یا اینکه اگر خواست به چاپ برساند نباید اسمی از جناب آقای هویدا نخست وزیر ایران در آن باشد ولی ذکر نام شریف امامی مانعی ندارد و چون منبع در این زمینه قصد شانتاژ نداشته از قبول این وجه خودداری نموده است که متعاقب آن به منبع اعلام داشته اند پس در اینصورت شما بهتر است کشور ایران را ترک نموده و مقیم آرژانتین شوید. منبع اظهار داشته اگر قرار باشد از ایران بروم به کشورهای اروپائی مسافرت خواهم نمود. ضمناً منبع در نظر دارد در این مورد با تیمسار مدیریت کل تماس گرفته و مراتب را به استحضار برساند.

مدیر کل هشتم ساواک (ضد جاسوسی) در حاشیه گزارش فوق نوشته: فوراً وقت بدهید که منبع در خارج از اداره با اینجانب ملاقات نماید تا بعداً جریان گزارش آن به عرض برسد. ۹/۵/۱۳۴۸]

پی نوشت بعدی چنین است:

قرار شد منبع ساعت ۱۷۰۰ دوشنبه مورخه ۱۱/۵/۴۸ با تیمسار مدیریت کل ملاقات نماید.^{۸۵}

سند دیگر نشان می دهد که پس از انتشار کتاب، ساواک به شایعه سازی برای نفی پیوند راین با این سازمان دست می زد:

چند گزارش در این هفته داریم که ساواک مانع مسافرت او به لهستان شده است. حقیقت امر این است که نه دفتر تحقیق او متعلق به ساواک است و نه اینکه ساواک مانع مسافرت او شده، بنابراین شایعات چندان پایه و اساسی ندارد.

نصیری جمله «ساواک مانع مسافرت او به لهستان شده است» را مشخص کرده و در حاشیه آن نوشته است: «این شایعه را به وسیله منابع بیشتر منتشر نمائید.»^{۸۶}

علیرغم ارتباط مستحکم راین با ساواک، باید افزود که انتشار کتاب فراماسونری به دستور ساواک نبود و این سازمان نه طراح بلکه مجری عملیات فوق بود. در این حادثه نیز دست پنهان امیراسدالله علم آشکار است.

۸۵. سند پیوست (شماره ۱۱).

۸۶. سند ساواک، ۱۷/۵/۱۳۴۸.

علاوه بر سند مورخ ۱۳۴۸/۱/۱ ساواک، که راین را دارای «رابطه خوبی با آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی ایران» معرفی می‌کند^{۸۷}، در گزارش‌های راین به ساواک تبلیغات او به سود علم به عنوان یک فرد «ضد ماسون» و «ضد انگلیسی» افشاکننده است. راین در سند زیر همان شگرد تبلیغی شناخته شده‌ای را به کار می‌برد که توسط دربار پهلوی و وابستگان مطبوعاتی آن به کار گرفته می‌شد و هر حرکت مخالف با رژیم را به «انگلیسی‌ها» نسبت می‌داد:

از نخست وزیران سابق ایران فقط مرحوم رزم آرا و مرحوم هژیر عضو شبکه فراماسونری نبوده‌اند، یعنی سه نخست وزیری که شبکه جاسوسی فراماسونری را عضو نشده بودند، رزم آرا، هژیر، منصور، کشته شده‌اند و فقط علم وزیر فعلی دربار با اینکه عضو شبکه فراماسونری نبوده تا کنون کشته نشده [!]^{۸۸} اسماعیل راین که این شرح «کشاف» را در باره عدم پیوند علم با «انگلیسی‌ها» می‌دهد، در کتاب ۳ جلدی خود روشن نمی‌کند که این ماسونهایی که در زمان قتل هژیر (۱۳۲۸) و رزم آرا (۱۳۲۹) چنین نفوذی داشتند، که بودند و این تشکیلات ماسونی فعال در آن سالها کدام بود.

حتی اگر اسناد ساواک نیز نبوده، در خود کتاب راین دست مرموز اسدالله علم - همبسته‌ترین رجل سیاسی دوران محمدرضا پهلوی با آلوده‌ترین کانون صهیونیستی انگلیس و آمریکا - را می‌شد به آسانی رؤیت کرد:

از جمله اشخاصی که مورد توجه فعالین فراماسونری قرار گرفتند، اسدالله علم بود که در این ایام سمت آجودانی کشوری شاهنشاه آریامهر را داشت و بعدها به مقام نخست وزیری رسید. فراماسونها برای اینکه او را وارد لژ فراماسونری وابسته به انگلستان کنند، عکس پادشاه در گذشته انگلستان و پرنس فیلیپ شوهر ملکه کنونی آن کشور را به او نشان دادند و او را به قبول عضویت در لژ فراماسونری ایران ترغیب نمودند. لیکن ایشان در جواب آنها با شجاعت اظهار داشت: من وارد سازمانی که پادشاه انگلستان به قول شما رئیس کل آن است و برگ اول سالنامه فراماسونی اسکاتلند به تصویر او مزین شده نمی‌شوم زیرا من آجودان و فدایی شاه ایرانم و افتخار دارم که خدمتگذار او باشم و هر روز دست شاه کشورم را ببوسم، نه دست پادشاه انگلیس و استاد اعظم ماسونی انگلیس را. در

۸۷. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۲۴۲.

۸۸. گزارش راین به ساواک، ۱۳۴۸/۲/۲۶.

سال ۱۳۴۱ شمسی که او به مقام نخست وزیری رسید بار دیگر با پیشنهاد فراماسونها روبرو گردید، لیکن جواب علم همان بود که قبلاً داده بود.^{۸۹} راین پس از فرونشستن موجی که انگیزته بود، هم به علت کینه ماسونهای افشا شده و هم به علت زیاده طلبی های مالی اش و چار تنش های روحی شد، لیکن هم توسط دربار تحبیب شد و هم توسط ساواک مهار گردید. او در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۴۸ طی نامه ای به نصیری رئیس ساواک بابت «خساراتی که متحمل شده بود» تقاضای پول بیشتر نمود و تصریح کرد که «اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، حامی وطن پرستان ایران، اوامری مبنی بر تأمین خسارات وارده صادر فرموده اند». پاسخ نصیری منفی بود: «چه کسی او را در مورد چاپ این کتاب حمایت کرده است و چه کسی او را تقویت کرد. یقیناً کمک مالی در این مورد به او کرده اند».^{۹۰} مع هذا، فعالیت «تحقیقی» راین با هدایت علم ادامه یافت. آثار راین در ازای دریافت وجه از دربار و یا محافل معین بود و اهداف معینی را پی می گرفت: کتاب حیدرخان عمو اوغلی تداوم تحقیقاتی بود که در همکاری با اداره کل هشتم ساواک در هدف شوروی و شبکه های داخلی آن انجام داد، پیرم خان سردار و ایرانیان ارمنی به دستور دکتر فلیکس آقایان تهیه شد، حقوق بگیران انگلیس در ایران به دستور علم و به منظور تخریب چهره روحانیت منتشر شد، و این رشته همچنان ادامه یافت. بولتن امنیت داخلی ساواک، مورخ ۸/۶/۱۳۵۰ با طبقه بندی سرّی، چنین حکایت می کند:

در تاریخ ۲۳/۱۰/۱۳۴۹ از طریق وزارت دربار شاهنشاهی اعلام گردید: اسماعیل راین به منظور چاپ کتاب دریانوردی ایرانیان از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر تقاضای مساعدت نموده که ذات مبارک ملو کانه اجازه مرحمت فرمودند کتاب مزبور به چاپ برسد و مخارج آن (بیست و پنج هزار تومان) نیز توسط ساواک تأمین گردد...^{۹۱}

سند مورخ ۴/۲/۱۳۵۶ ساواک، آخرین «شاه کار» راین را چنین شرح می دهد:

۸۹. راین، ج ۱، ص ۸۲.

۹۰. سند پیوست (شماره ۱۲).

۹۱. سند پیوست (شماره ۱۳).

برابر اطلاع واصله اسماعیل راثین ضمن صحبت با چند تن از دوستانش مطالبی درباره تهیه کتابی تحت عنوان رجال همجنس باز ایران و اینکه قصد انتشار آن در لندن را دارد اظهار نموده است. از اینرو ضمن تماس تلفنی با نامبرده، چگونگی امر سؤال گردید و مشارالیه اظهار نمود که موضوع صحت دارد و تحت عنوان همبارگی در ایران مطالبی تهیه نموده و مندرجات آن مربوط به قرن چهارم تا قبل از سلطنت مظفرالدین شاه می باشد که هنوز به صورت دستنویس بوده و متن آن هم اکنون در لندن است و با توجه به توصیه دوست خود داریوش فروهر از انتشار آن منصرف گردیده. وی اضافه کرد چون جناب آقای علم قبلابا مشارالیه در باره اظهار تمایل اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به تهیه و انتشار مطالبی در باره زندگی خصوصی پادشاهان گذشته ایران و توجه وافر آنان به مسائل شخصی مذاکره نموده اند، در نظر دارد پس از مراجعه به جناب آقای علم تحویل دهد تا به شرفعرض همایونی برسد.^{۹۲}

در آینده، این بحث را با شرح تاریخچه و ساختار دو نهاد اصلی ماسونی متأخر در ایران - یعنی «شورای عالی درجه سی و سوم ایران» و «لژ بزرگ ایران» - پی خواهیم گرفت.

الشرق الاكبر المثلالي العـالمى

لعشرة البنائين الأحرار المذليين القدماء والمقبولين في دول العالم

الرئيس الاعظم
جناب راسه
James R. Smith



السلام التام : والتجلة والإكرام

السلام التام . والجله والام كرام
أما بعد - فقد عرض علينا طلب إخواننا الاعزاء الاساتذة محمد خليل جواهرى والدكتور احمد مومني ومحمود مومني وميرسلو بارين وجعفر رائد
ومحمد علي امام ومحمد الرشدي وارنست بيرون
يلتمسون به التصريح لهم بانشاء محفل من محافل البنائين الاحرار المثاليين باسم محفل ضمايولك . تابع للمحفل الاكبر المثالي للاسبراطورية الايرانية
تحت نظمات الشرق الاكبر المثالي العالمي . وبما لنا من الساطعة الدستورية العالمية . التي تقتضيها اصول البناية الحرة قد قبلنا طلبهم ، واجابنا ملتزمهم
بالتلبية وبالقبول بنوصية من محفلهم الاكبر ، ولما لنا فيهم من الثقة والاعتماد وافقنا على إنشاء محفل قانوني منهم يسمى محفل بيشلويكي . رقم ١٢٠
يجتمع في شرق طهران . ايران . واجرا لهذا المحفل عند اجتماعه قانونياً أن يقبل الطالبين ويكاشفهم بأسرار البناية الحرة ويرق إخواناً للدرجة الثالثة
والثالثة ويقبل طالبي الالتحاق إلى غير ذلك من الأعمال بحسب الدستور الماسوني المثالي العالمي ونظامه العام وأحكام قضائه .

إجابة للنفس هؤلاء الإخوان قد عينا الأخ محمد حيدر جواهرى رئيساً محترماً للمحفل والأخ الدكتور أحمد هوسين منبهاً أولاً له والأخ محمد علي إمام
منبهاً ثانياً له. وعلى الرئيس المحترم أن يفتح المحفل باسم الله الخالق مهندس الكون الأعظم، ويقوم بإدارة أعماله وبهم شئونه إلى أن ينتخب له خلف من
الإخوان المحترمين السابقين، أو ممن شغل وظيفة منه في محفل مثالي متظم، ويثبت بعد الانتخاب بكرسى الرئاسة على حسب أصول البناية الحرة القديمة
ليكون له كامل السلطة التي تخول له القيام بوظيفته. ووصيتنا له أن يستوثق ممن يعمل معه من الإخوان البائسين الأحرار وأن يسلك بهم سبل الهدى
والاستبصار. وأن يحافظوا جميعاً على العمل بنصوص الدستور والنظام العام وكل ما صدر وما يصدر من قرارات الشرق الأكبر المثالي العالمى. والمحفل
الأكبر المثالى الوطنى الحليف. وأن يسنوا لهم لائحة داخلية لإدارة المحفل بحيث لا تكون مخالفة لنصوص الدستور الماسوقى المثالى العالمى ونظامه
العام. على أن يرسلوا نسخة من لائحته الداخلية لنا بعد التصديق عليها من المحفل الأكبر المثالى ليصبح له الإبريق التابعية له. وأن يقيدوا هذه اللائحة وجميع
أعمال المحفل في سجل منظم وأن يرسلوا لنا مرتين كل عام كشفاً بأعضاء المحفل مستوفياً جميع البيانات. وأن يحافظوا على تسديد الرسوم المستحقة في
موايدها ويفوا بوعدهم ويوفروا بمعهدهم، إن العهد كان مستولاً.
وهذه البراءة تخرج لهم العمل بها ما داموا محافظين على هذه الوصايا ومقيدين في السجل العام.

صدرت هذه الجرائد من البناية الحرة المثالية بأمرنا وختم عليها بخاتم الشرق الأكبر المثالي العالمي بمدينة $\frac{\text{القاهرة}}{\text{بيروت}}$ يوم السبت ٢٤ نوفمبر ١٩٥١
الموافق ١٠ محرم ١٣٧١ من التاريخ العام

بأمر الرئيس الأعظم

المجلس العالمي
 للدراسات والبحوث
 في الشرق الأوسط
 Le Conseil Mondial
 Supérieur des Etudes
 Pour La Vallée Du Jourdain
 et Le Moyen Orient

م. آمين الحزينة الأعظم

كانم المر الاعظم رئيس الدewan الاعظم الاستاذ الاعظم
      

تصویر فرمان تاسیس لژ پهلوی در کتاب رائین (فراموشخانه و فراماسونری
در ایران، جلد ۳، صفحه ۱۴) که در آن نام « لژ پهلوی» به « لژ همایون»
تبدیل شده.



نخست وزیر

سازمان اطلاعات و اینت کشور

س.ا.و.ا.ک

تاریخ ۹/۱/۳۳

شماره ۷۳۵۱۳

شماره پرونده گیرنده

شماره پرونده فرستنده

گیرنده

فرستنده

شماره عطف
پرو

پیوست

محرمانه

موضوع

مدیریت کل اداره سوم

بقرار اطلاع شخصی بنام محمد جواهری که خود را نویسنده مجله الاخاء و وابسته بروزنامه اطلاعات معرفی مینماید مدت یک هفته است بعمان وارد و با اعلیحضرت ملک حسین و سپهبد حابس المجالی رئیس ستاد ارتش و عبدالعجید مرتضی وزیر ارتباطات و سایر مقامات اردنی ملاقات نموده است. نامبرده در نظر دارد از عمان ابتدا بدمشق و سپس بکویت مسافرت نماید و قبلاً نیز مدتی در عراق بوده است و علت مسافرتهاى خود را ماموریت از طرف مجله الاخاء برای پیدانمودن مشترکین جدید بیان نموده است علیهذا دستور فرمائید هرگونه سابقه ای از نامبرده در آن اداره کل موجود میباشد خلاصه آن را باین اداره کل ارسال دارند - م

مدیرکل اداره سوم - معتمد

گیرندگان :

مدیریت کل اداره هفتم جهت اطلاع و اعلام هرگونه سابقه -

آذربایجان

تلفن ۳۰۸۳۸

۹ روزم

محرمانه



نخست وزیر

گیرنده مدیریت کل اداره دوم

فرستنده اداره کل هفتم

شماره ۲۳۳/۷۳۵۹ عطف

پیوست ۴۰/۹/۶ سازمان اطلاعات و امنیت کشور

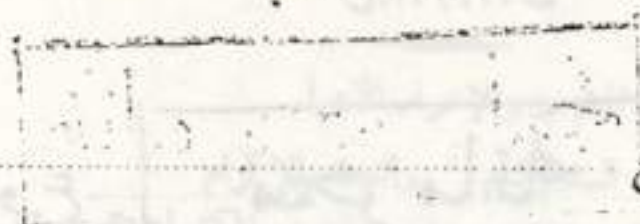
س.ا.د.ا.ک

تاریخ ۱۹/۴/۵۹

شماره ۷۱۲/۵۱۵۱

شماره پرونده گیرنده

شماره پرونده فرستنده



موضوع

بقراریکه یکی از دارندگان اداره کل هفتم اشهار

میدارد چند ماه قبل شخصی بنام جواهری که مردی درشت

اندام است بعشارالیه معرفی گردید و بحضور رتبعساار معاونت

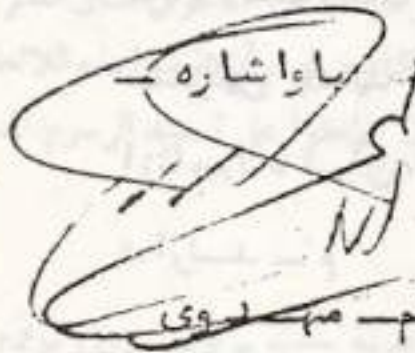
یکم برده شد و قرار شد نامبرده در مسافرتها ئیکه بعد اینمائندگی

از طرف مجله الاخبار مینماید گزارشهایی بهیه وجهت

بررسی تسلیم مقامات ساواک نماید. احتمال زیادی دارد

که این شخص همان کسی باشد که در نامه فوق با اشاره

شده است.


مدیرکل اداره هفتم - مهر لوی

گیرندگان

اناره کل سرم رونوشت پیرو شماره ۲۳۳/۷۳۵۹

۴۰/۹/۶

جهت اطلاع



امامزاده بابا نور

۱۳۰۹/۹/۶

گزارش اطلاعات داخلی

شماره ۴۷۱/۱۱۳
د-۲

تاریخ حادثه

تاریخ وصول خبر ۳/۱۰/۴۰

تاریخ گزارش ۳/۱۰/۴۰

موضوع محمد خلیل جواهری

محل تهران

عطف بشماره

منبع خبر: شریف

تقویم: ۳ ب

شخصی بنام محمد خلیل جواهری متولد شام که مدت چندین سال است در ایران سکونت دارد و -
مرتبا به کشورهای عربی مسافرت میکند و از کاروی کسی اطلاعی ندارد و درآمد سرشاری دارد و همسر
وی عم خواهر حمید زاهدی میباشد .
حمید زاهدی یکی از فعالین حزب منحلۀ توده بود که پس از مسافرت به فستوال مسکو و مراجعت
به ایران دستگیر و مدتی زندانی و سپس مقدمات مسافرت وی از طرف کمیته مرکزی حزب منحلۀ توده تهیه
و او اکنون در آلطان شرقی بسر میبرد و گویا کلاس عالی موسیقی را می بیند و در همانجا هم ازدواج
کرده .
محمد خلیل جواهری با اتفاق همسر و مادر همسر خود در جاده شمیران جاده پهلوی ایستگاه
پسیان سکونت دارد . م

محرمانه

برای بنیاد ملی ۱۵/۱۰/۴۰
د-۲
د-۲
د-۲

۲۸۱۹

تعداد نسخه:

گیرندگان:

۵/۱۲۸-۳۶



شماره گزارش ۷۱۶

۸۰۰ :

تاریخ گزارش ۴۳/۸/۱۷

از : احمدی ۸۳۲

تاریخ وصول ۴۳/۸/۱۹

نشاء : یات کرمند سفارت آمریکا

منع : ۱۷۵

تتویم : ب / ۲

موضوع : فعالیت لژ فراماسونری عمیق مضمونیت سیاسی

مستشاران آمریکایی

روز ۲ مهر ۱۳۴۳ لژ فراماسونری تهران که از لژهای تازه است (اسکاتلند) میباشد ضمن صورت مجلس شماره ۱۷-۳۴ به کلیه اعضا خود دستور داده که عمیق د یحده مضمونیت سیاسی آمریکائیان مدام کنند - ندلن مهندس بهبودی هم رابط دستور مهندسی حسین شقایق استاد اعلام لژ مذکور بهبودی است .

اطهارات سلیمان بهبودی رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی و دومین دولسسر (روشنائی در ایران) است ناشی از همین سیاست فراماسونری بهبودی است . با و - گفته اند بهبودی که سعی کند تا طرح لایحه در مجلس شورای ملی را به عقب بیاورد از و به

همین جهت بود که از اعلیحضرت تقاضای تأخیر طرح لایحه کرد بهبودی . لژهای فرانوی سرپاست در کمر مالی بود که در ضمن نیز چنین است . امی کرد داند .

سری



نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

از ۳۲۱

وزارت :

شماره

تاریخ ۴۷/۲/۲

پیوست

محمود حسن

منظور : در باره فعالیتهای فراماسونری

احتراما با استحضار میرساند اخیرا از جانب دبیر لژ بزرگ استاتلند نامه ای جهت
دریست و فرایزاد فری (تبعه انگلستان) استاد و ناشر اعلام لژهای فراماسونری ناحیه
ایران (ارسال که ضمن آن اعلام نموده :

" من شنیده ام که نژاد از اینک برادران احمد و محمود به من ترفندیهای دارند زیرا -
آنان همیشه افزون خواه و جاه طلب بوده و احتمال این نیز هست که نامبردگان در جریان
استقلال لژ بزرگ مستقل ملی ایران تحت نظر لژ بزرگ ملی فرانسه در خالق نداشته
باشند . جای تامل تاسف است که علی مرندی (نماینده مجلس شورای ملی و از عناصر
مؤثره مورد اعتماد) تنفیلات فراماسونری فرانسه در ایران (و در اثر علی امیر حاکمیت
(سناتور و از مسئولین تنفیلات فراماسونری آلمان در ایران) در این جریان آلوده
شده اند و هر چند ممکن است که آنان این شایع را بموقع و بمصلحت وقت بوجوه آورده
باشند زیرا بایستی قبول نمود که آنان اوضاع و احوال را خیلی آشکارتر از دیگران مشاهده
میکنند . در خاتمه ضمن اینکه یاد آور میشوم که در چند وستان سه هیئت نمایندگی
در مراسم تقدیر و تاسیس شرکت نموده اند عقیده دارم که استاد بزرگ لژ مستقل ملی
ایران بایستی جنبه تشریفاتی داشته باشد و شمسعد مالک (سناتور و از مسئولین
لژهای فراماسونری فرانسه در ایران) حتی الامکان صندلیهای سرپرستی را اشغال
کنند .

سری

سند ۶ : مقدمات تأسیس لژ بزرگ ایران



شماره

تاریخ

پیوست

نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

۲

در باره

سابقه : ۱- اخیراً و امری شرفصد و ریافته د ایربراینکه لژهای فراماسونری ایران اقدام بجدائی از لژهای خارجی نموده و لژبزرگ ایران را بدون هیچگونه وابستگی تشکیل د غنند .

۲- چندی قبل لژبزرگ اسکاتلند طی نامه ای که بعنوان کریستوفر ایزک فری د ایران ارسال داشته تاکید نموده بایستی کلیه فرمانهای که از جانب لژ مذکور جهت لژهای ایرانی صادر شده ب لژبزرگ عودت داده شوند .

اقدامات انجام شده : مراتب فور د تاریخ ۱۹/۶/۴۷ طی گزارش نه باراندا مشخصر است از عرض گذشت . ضمناً وضعیت نمونی تشکیلات فراماسونری د ایران و همچنین آخرین تحولات آن نیز طی بولتن ویژه ای د تاریخ ۹/۵/۴۷ بد فترویه اطلاعات ارسال گردیده است .

تشریح : با عرض مراتب فوق از مفاد نامه ارسالی لژبزرگ اسکاتلند چنین استنباط میگردد :

۱- باینکه اوامر جبهانمطاع اعلیحضرت عمایون شاهنشاه آریامهرمنی بر عدم وابستگی لژهای ایران بفراماسونری جهانی (لژبزرگ اسکاتلند - لژبزرگ ملی فرانسه - لژبزرگ آلمان) شرفصد و ریافته معهد اینفر میرسد که لژبزرگ مستقل ملی ایران پس از تشکیل د سطح بالا ترایشی بسوی لژبزرگ ملی فرانسه داشته باینترتیب د مرات مقامات این لژبوسیله ماسونهای مومن و متعصب به تشکیلات فراماسونری



۴۶-۱۱۶



شماره
تاریخ
پیوسته
.....

سازمان اطلاعات امنیت کشور س.ا.و.ا.ک

۳

در باره

فرانسه در امور تشکیلاتی لزوم استقلال ملی ایران مطرح نظر قرار گیرد . زیرا اشتیاق ماسونهای ایرانی وابسته بفراماسونری فرانسه بیشتر از سایر ماسونها بمنحور تا سیمیر لزوم استقلال ملی ایران از یکطرف و اظهار تاسف مقامات لژ بزرگ اسکا تلند از فعالیت ماسونهای مذکور از طرف دیگر این مطلب را تأیید که خود در خور توجه بسیار میباشد .

۲- مقامات لژ بزرگ اسکا تلند که اوامر ملوکانه را بخوبی درک نموده اند اگرچه باطناً مایل نمیشدند نفوذ قابل ملاحظه کنونی خویش را در تشکیلات فراماسونری ایرانی از دست بدهند لیکن از آنجاکه نمونه مخالفتی را در این زمینه بضرر و با محذور ساختن فعالیت ماسونهای ایرانی وابسته بنظر اند لژ مذکور مواجه میبینند معتقدند حالا که موضوع تشنیل لژ بزرگ مستقل ملی ایران در پیش است و خوابی نخواهد بود کریستوفر ایزک فری از سمت فعلی خویش برکنار و از وجود یکی از ماسونهای معروف ایرانی برای احراز سمت ناظر اعظمی لژ بزرگ مستقل ملی ایران استفاده خواهد شد لاقلاً ترتیبی بدهند که نفوذ خویش را بطور کامل از دست ندهند بلکه نظرات خود را در رده های پائین تری از مقام ناظر اعظمی (سرپرست ارجمنده اول و دوم) اعمال نمایند که اظهار علاقه مقامات نراند لژ مذکور مبنی بر احراز کرسیهای سرپرستی توسط

سری



سخت گیری
سازمان اطلاعات امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

شماره

تاریخ

پیوست

در باره

گريستوفرايزه فری خود دلیلی است برای اثبات این موضوع .

مراتب استحضار از عرض میگردد . م

بر عرض تسلیت دریاست ساوالک رسید - تلاوت ۲۷ - ۲۷

لبره بردار

۷/۲۵

برقع لبره بردار خواهی شد

۲۱۷۰۴۸



تهران ۱۳۳۸/۴/۱۶
مجله تهران مصور

حضور مبارک تیسار سرتیپ علوی کیا معاون محترم سازمان اطلاعات و امنیت کشور

بطوریکه خاطر مبارک مستحضراست از ده سال قبل مشغول نوشتن کتابی در باره (حزب کمونیست ایران)

هستمین برای تکمیل کتاب مزبور احتیاج بمطالعه سوابق و پرونده های آقایان :

— اندکتر سلیم اله چایچ

— سهراب حسامی فرزند عبدالحسین

توضیحا بمعرض عالی میرسانم که سهراب حسامی در سال ۱۳۲۹ از شوروی بایران آمده است.

او که اکنون در انگلستان تحصیل میکند فرزند عبدالحسین است که در سال ۱۳۰۸ از ایران فرار

کرده و در سال ۱۹۳۲ جز تصفیه شدگان استالین بوده.

قبلا از لطفی که بمن میفرمائید سپاسگذاری مینمایم

اسماعیل رائین طغف ۳۵۲۳۹

۰۱ رائین

ص ۸۱

ارزده سوم

برادر طاهر که در راه پرورشیده در راه مبارزه

۱۳۷۲

ارزده

سند ۷ : اسماعیل رائین و ساواک

(پی نوشت سرتیپ علوی کیا: هر اطلاعی که دارید در اختیار آقای رائین بگذارید.)



۵۱۰

فرستاده..... ۳ الف ۳

شماره عطف
پيرو

یہی صورت

نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
ت. ا. و. ا. ک

گزارش

موضوع تقاضای آقای اسماعیل رائی

آقای اسماعیل راعین برای تکمیل کتاب خود تقاضا نموده است .

۱- پاسخ ۱۱ سؤال پیوست از پرونده دکتر سلام‌اله جاوید استخراج و باور داده شود.

۲- چند پرسش نیز درباره عبدالحسین حسابی . عیال او صفری علی آبادی . فرزندش مهرداد سهراب

حسابی نمودهاست .

پرونده ای که آقای دکتر سلام‌اله جاوید در ساواک دارد جواب‌گوی کدام از ۱۱ سؤال نیست ایشان

پرونده قضائی در دادستانی ارتش دارند که نمیدانم آن پرونده نیز جو ابعگوی این پرسشها هست —

باخیر ؟

از عبدالحسین حسابی و عیال او و مهندس سهراب حسابی هیچکدام در حال حاضر در ساواک سابقه ای

دیده نشد است دستور داده شده پرونده های قدیم را هم ببینند شاید سابقهای پیدا شود در هر

صورت چون محل خدمت صفری علی آبادی و مهندسان سهراب حسابی درست است پرونده های د و نفر

تکمیل خواهد شد .

باعرض اینکه اسماعیل رائین اطلاعات جامعی درباره کمونیسم و حزب توده ایران دارند و کتاب ایشان

از لحاظ اطلاعاتی مفید برای ساواک است ابلاغ فرمایند اصولاً صلاح هست به خواسته ایشان جواب

راده شور و یاخیر در صورت اول .

$\frac{29}{29}$



نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

تاریخ
شماره
شماره پرونده گیرنده
شماره پرونده فرستنده

گیرنده
فرستنده ۳ الف ۳
شماره عطف
پیوست

۲ ص

موضوع

- ۱- اگر بتوانیم پرونده قضائی دکتر سلام اله جاوید را از دادستانی ارتش بطور موقت بگیریم و بررسی کنیم چنانچه جواب گوی پرسش ها بود استخراج و بد هیم در غیر این صورت یا او را به ساواک احضار و سؤال کنیم یا یک نفر را نزد او فرستیم پاسخ پرسش ها را تهیه نماید .
- ۲- در مورد صفری علی آبادی و مهندس سهراب حسینی هم آنها را بخواهیم و اطلاعات لازم را بگیریم .

صدقی

۳۹/۶/۷

امیر نیروی انتظامی

اقدام کنید و به راثین هر قدر ممکن است کمک شود .

۶/۷

امیر به پند، زنزار سلام اله جاوید
ج- الف - ۱۹۵
با کمال احترام

صفری



شاره
تاریخ ۱۳۰۱/۹/۲۲
پیوست
.....

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران
مسکو

جناب آقای نخستوزیر

بظوریکه خاطر عالی قرین استحضار است سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو
برای انجام وادار امور مطبوعاتی خود که همواره رویه بسط وازد یاد میباشد
احتیاج مبرمی به یک مامور کارآمد و بصیر دارد که محل آن مدتی است خالی است
پیشنهاد مینماید و تمنا دارم مقرر فرمایند که آقای اسماعیل رائین را که از هرجهت
مورد اطمینان و برای این کار قابل میباشد بدین سمت برقرار فرمایند .

سفیر کبیر - آدمیت

۲۰۴۴
۱۳۰۱/۹/۲۲

رونوشت جهت استحضار سازمان اطلاعات و امنیت کشور ارسال میگردد .

سفیر کبیر - آدمیت

سایه هر اسماعیل رائین

د. سلطانی سرد

۲۲/۱۱/۲۲



شماره

تاریخ ۴۷/۶/۱۶

پیوست

نخست وزیر
سازمان اطلاعات امنیت کشور
س.ا.ا.ک

۳۲۱

زارش :

در باره فعالیتهای فراماسونری

احتراما با استحضار میرساند در اجرای اوامر صادره مبنی بر تعقیب سوژه ای که در نظر بود ساعت ۲۰۲۰ روز ۴۷/۶/۱۶ با هواپیمای افرانس به تهران وارد شود اقدام و سوژه وسیله کارمند بررسی این بخش (احمد سامعی) در فرودگاه مهرآباد شناسائی که شخص مورد نظر کتر محمود هومن استاد دانشمرا به عالی (استاد لژ مولوی و موسس لژهای کسرا و سعدی و وابسته به تشکیلات فراماسونری گراند اوریان فرانسه در ایران) بود که ساعت ۲۰۲۰ به فرودگاه مهرآباد وارد و توسط د و نفر از ماسونها که زیر نظر تیم تعقیب مراقبت از انجمن ابوعلی سینا (محل تشکیل جلسات لژهای فراماسونری) خارج گردیده بودند استقبالی بعمل آمد .

وسایل سوژه که شامل سه عدد چمدان و یک ساک و یک کیف دستی (احتمالاً معرفت مدارک مورد نظر در کیف دستی باشد) بود و با تسهیلاتی که وسیله مستقبلین فراهم گردیده بود بدو و ن بازید ما مورین گمرک ترخیص و در اتومبیل بنر ۱۹۰ کرم رنگ شماره ۹۷۵۱ - ۲۵ تهران جا گرفت .

سوژه قبل از حرکت از فرودگاه کیف دستی خود را که در صندوق عقب اتومبیل مزبور قرار گرفته بود برداشته و با خود درون اتومبیل برد .
اتومبیل مورد بحث وسیله کارمند بخش ۳۲۱ ورشس بخش ۴ ساواک تهران تعقیب

سری

۴۶-۱



نخست وزیر

سازمان اطلاعات امنیت کشور

س.ا.د.ا.ک

شماره

تاریخ

پیوست

۲

در باره

که بالاخره در انتهای خیابان فرح شمالی خیابان صغیری شماره ۱۹/۲ توقف
بها اتفاق مستقبلین وارد منزل گردید.

ضمناً اتومبیل دیگری که (بنز ۲۳۰ مشکی رنگ شماره ۲۹۵۹-۲۷ تهران
مربوط به یکی از استقبال کنندگان در فرودگاه مهرآباد بود به فاصله نیم ساعت
جله منزل مورد نظر توقف که سر نشینان آن به همبختان ملحق و همگی با استثنای
سوژه در ساعت ۲۳۳۰ از منزل خارج شدند.

چون ساکنین هدف تا ساعت ۲۳۰۰ روز ۱۵/۶/۴۷ بهد از بودند لذا تا آن زمان
امکان دستبرد به وسایل وی موجود نبود. تا اینکه در ساعت ۴۰۰ پس از فراهم آوردن
مقدمات لازم اقدام به سرقت گردید که در نتیجه کیف مورد نظر سرقت و بلافاصله
بساواک تهران حمل و مورد بازید قرار گرفت.

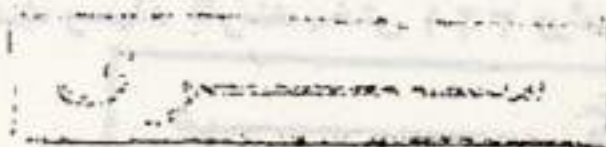
متأسفانه کیف مزبور خالی و احتمال قریب به یقین اسناد و مدارک مورد نظر
بشخصی که با اتومبیل بنز ۲۳۰ (که از انجمن ابوعلی سینا به منظور استقبال آمده
بود) تحویل گردیده است. مراتب استحضار را از عرض میگذرد.

مسئول بررسی

رئیس دایره

رئیس بخش ۳۲۱- رنجبر ۷/۱۶

رئیس اداره دوم عملیات و بررسی جهان بین



مجلس شورای ملی

۲۲ شهریور ۱۳۴۸

مؤخره تحقیق راین

حضور مبارک ستار سببه نفیری معادل کتبه نخست در زیر و برایت سازمانت گزیده
مؤخره معروضی دارم در بهی ماه سال گذشته با وجودیکه از کتبه بنی شده
ثبت کتبه بهایم را گرفته و همه آن ها را هم از جایی به جایی تحویل گرفته بودم ، با این حال
بر طبق تذکره حضوری و قول شفاهی بیتی در تیب مقدم ، مستند شدم که بکثیر از جمله بوم
کتبه بهایم را که معادل بنیه هزار تومان ارزش داشت تحویل ایشان به هم و در مقابل ارزش
کتبه بهایم قبضی را پرداخت نمایند . از آن تاریخ تا کنون غارت داده به این بنی
نشده بودم ، لهذا اقدام به توصیف خودم دارم از آن زیر چاپ نشود و خبری ترکیب
چهل هزار تومانی دیگر ، در حدود بیست هزار تومان کما غنیه صورتی چاپ نشده باقی مانده که بفرمایند
نمادند .
چون انگیزت باین ، شهادت آری ، حامی دلمیرستان ایران ، اداری مبنی بر تائید
فراوانی که داده را صادر فرموده اند و با وجودیکه تنها جنبه شریف است ، مبنی بر کل
سهم و غیره ... دارند ، مستند است امر و مقرراتی غارت داده به این بنی را
پرداخت نمایند .

با توفیق ابرام و سلام خداداد

دفعه ۶۶۷۵۸
تلف ۷۷۲۸۹۴

اول کما بیان و گذشت شماره ۷۸

در سامانه اسناد روز ۱۳۴۸/۹/۲۲
ثبت شد

نیزال و لغو مساله : ۱۱

سند ۱۲ : راین و زیاده طلبی های مالی او

سکری

-۲-

-۱-



نخست وزیر

سازمان اطلاعات امنیت کشور

امینیت داخلی

شماره ۱۴۲ / تاریخ ۵۰/۶/۸

بسم الله الرحمن الرحيم

این سند در خصوص...

در خصوص...

بوتن:

در باره: انتشار کتاب در بیان ابراهیم نوشته اسماعیل راین

این بوتن شامل ۳ برگ است

در ازبک

بوتن

سکری

سکری

-۲-

در تاریخ ۱۳۴۹/۱۰/۲۳ از طریق وزارت دربار شاهنشاهی اعلام گردید :
اسماعیل رائین به منظور چاپ کتاب (دریانوردی ایرانیان) از پیشگاه مبارک اعلیحضرت
همایون شادنشاه آریامهر تقاضای مساعدت نموده که ذات مبارک طوکارانه اجازه مرحمت
فرمودند کتاب مزبور به چاپ برسد و مخارج آن (هشت و پنج هزار تومان) نیز توسط ساواک
تامین گردد.

در اجرای اوامر مطاع طوکارانه مساعدت لازم انجام گردید و کتاب موصوف در دو مجلد و تعداد
دو هزار نسخه از طبع خارج گردید. ذیلا فشرده ای از مجموع نگارش مذکور باستحضار میرسد :
در پیش گفتار کتاب به منظور مقابله با پاره ای کج بینی ها و کوته اندیشیها که توسط بعضی
مورخین و مولفین عرب و فیر عرب در زمینه قدمت دریانوردی ابراز شده ، مواردی مستند
بهنگات تاریخی ارائه گردیده که مدلل میدارد ایرانیان در هر صده تاریخ که بمسال دریانوردی
مردمانی جسور - جستجوگر و موفق بوده اند و اثبات این مهم خود انگیزه تالیف کتاب مزبور
از ناحیه ریف قلمداد گردیده است.

متن کتاب شامل یک هزار صفحه در دو مجلد به ترتیب (از دورانهای افسانه ای تا ظهور اسلام ،
از عصر استعمار تا امروز) متضمن تصاویر تاریخی و توضیحات کافی و ذکر مآخذ های مربوط میباشد
در مقدمه جلد اول اشاره ای به هدفهای استعماری صد ساله اخیر که خدمات آن متوجه
حیات دریانوردی ایران بوده ، شده و سپس اهمیت خلیج فارس بعنوان زادگاه تاریخ
مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است ، در این فصل با ارائه مستندات معتبر تاریخی در احوال
نام خلیج فارس ، گشاکشهای تاریخی در زمینه دریانوردی و وسعت شعروایرانیان در دریاها
به تفصیل بحث و جزئیات امرازدوران هخامنشی تا عصر بنیاد ناوگان مدرن ایران تشریح
شده و در خلال مطلب اشارات تاریخی به عدم اطلاع اعراب در مورد دریانوردی و وحشتی
که ...

سکری

سکری

-۳-

که اعراب صحرانشین و ... این از دریاداشته اند بعمل آمده است .

در بخش دیگر کتاب اختراعات و ابتکارات دریانوردان ایرانی در استفاده از نقشه های جغرافیائی - فانوسهای دریائی - ستاره شناسی - جهت یابی و نیز وضع لغات و اصطلاحات دریانوردی مشروحاً عنوان گردیده است .

جلد دوم کتاب با شرح تاریخچه ای از انگیزه هجوم استعمارگران اروپائی به خلیج فارس آغاز میشود و سپس مبارزاتی که برای محو آثار این تهاجمات بعمل آمده مفصلاً ذکر میگردد .

کتاب با معرفی نیروی دریائی مجهز و نیرومند امروز ایران خاتمه مییابد .

مجله جوانه
سکری

شماره

خیلی محرمانه



..... شماره
 تاریخ
 پیوست
 به بخش ۳۴۷
 از
 گزینش :
 س. ا. د. ا. ب. ک.

تهیه کتاب درباره رجال همجنس با ایرانیان

محترماً بعرض میرساند :
 برابر اطلاع واصله اسماعیل راثین ضمن صحبت با چند تن از دوستانش مطالبی درباره تهیه کتابی تحت عنوان رجال همجنس با ایرانیان و اینکه قصد انتشار آن در لندن را دارد اظهار نموده است . از این موضوع من تماس تلفنی با نامبرده ، چگونگی امر سوال گردید و مشارالیه اظهار نمود که " موضوع صحت دارد و تحت عنوان همبارگی در ایران مطالبی تهیه نموده و مندرجات آن مربوط به قرن چهارم تا قبل از سلطنت مظفرالدین شاه میباشد که هنوز بصورت دست نوشته بوده و متن آن هم اکنون در لندن است و با توجه به توصیه دوست خود داریوش فروهر از انتشار آن منصرف گردیده و اضافه کرد چون جناب آقای علم قبل با مشارالیه درباره اظهار تعامل علی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر به تهیه و انتشار مطالبی درباره زندگی خصوصی پادشاهان گذشته ایران و توجه وافر آنان به مسائل شخصی ، مذاکره نموده اند ، در نظر دارد پس از مراجعه به لندن و آماده نمودن مطلب مذکور آنرا به جناب آقای علم تحویل دهد تا

بشرفعرض همایونی برسد . بعرض تیمار ریاست ساواک سید تایخ ۲۶/۲/۴۰

در روزنامه (امام علی راثین) تاریخ ۲۶/۲/۴۰

۲۶/۲/۴۰

خیلی محرمانه